

توان‌مهندسازی بافت‌های ناکارآمد شهری در راستای توسعه پایدار کلانشهر تبریز از منظر جامعه‌شناسی شهری

فرزانه یزدان‌خواه^۱

حسن احمدزاده^۲

بشیر بیگ بابایی^۳

علی پناهی^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۳/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۵

چکیده

کلانشهر تبریز، با پدیده اسکان غیررسمی و نقاط حاشیه‌نشین و ناکارآمد شهری مواجه است. تحقیق حاضر با هدف توان‌مهندسازی بافت‌های ناکارآمد شهری در راستای توسعه پایدار کلانشهر تبریز از منظر جامعه‌شناسی شهری به انجام رسید. چهار محله ناکارآمد در سطح کلانشهر تبریز شامل محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد جهت نمونه به شیوه تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه و از روش دلفی برای سنجش متغیرهای استخراج شده استفاده شد. نتایج به دست آمده حکایت از وجود مشکلات و نارضایتی‌هایی در محلات مورد مطالعه دارد. محله چورخولار دارای کمترین رضایت‌مندی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه شهری شامل پایداری شهری، تاب‌آوری شهری و حکمروایی اجتماعات محلی است. میانگین به دست آمده برای پرسشنامه پایداری شهری ۲/۰۱، پرسشنامه تاب‌آوری شهری ۲/۱۵ و حکمروایی اجتماعات شهری ۲/۰۵ است که کمترین مقدار در بین محلات انتخابی است. پس از چورخولار، شمس‌آباد در متغیر پایداری شهری با میانگین ۲/۳۹، کمترین میانگین را داراست و پس از آن محله قازان‌داغی با ۲/۴۲ و ملاحسین باغی با ۲/۸۶ در رده‌های بعدی قرار دارند.

واژگان کلیدی: توان‌مهندسازی بافت‌های ناکارآمد شهری، توسعه پایدار کلانشهر تبریز، محلات تبریز.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

۲. گروه جغرافیا، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران (نویسنده مسئول). E-mail: h_ahmadzadeh@iaut.ac.ir

۳. گروه جغرافیا، واحد ملکان، دانشگاه آزاد اسلامی، ملکان- ایران.

۴. گروه جغرافیا، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

مقدمه

شهرها به عنوان پیچیده‌ترین سیستم‌های کلان اجتماعی، نمایش دهنده توسعه و تعالی بشر در دوره‌های مختلف زمانی بوده است. این عرصه‌های گسترده فضایی همواره به عنوان بستری جذاب برای نمایش نوآوری‌ها، توسعه‌مندی‌ها از یک سو و البته نیازمندی‌ها و تقاضاهای گسترده برای خدمات و دارایی‌های توسعه از سوی دیگر بوده است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). در واقع برای نمایش متوازن توسعه هیچ پهنه‌ای به مثابه شهر دارای پیچیدگی‌هایی برای نمایش نیازمندی‌های خود نبوده است. در این فرایند دیدگاه‌های مختلفی در عرصه برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها به وقوع پیوسته تا بتوان با سیاست‌گذاری‌های بهینه برای این تقاضاها و نیازمندا پاسخی مناسب ارائه داد (Lim et al., 2019: 1). پیچیده‌ترین پدیده‌های رخ داده در این زمینه در بعد اجتماعی و اقتصادی با عنوان فقر شهری و در بعد کالبدی با پیداری محلات حاشیه‌نشین، اسکان‌های غیررسمی و محلات ناکارآمد شهری بوده است. مطابق با تحقیقات رخ داده در این زمینه بیش از یک سوم جمعیت در شهرها دچار و دست به گریبان با این پدیده‌های ناخواسته شهری هستند که به اجبار در فرایند شهرنشینی و عدم تطابق با شهرگرایی عصر حاضر به قوع پیوسته‌اند و انتظار این فرایند با توجه به مدیریت ناصحیح و سیاست‌های غیر واقع‌گرایانه تا سال ۲۰۵۰ به دو برابر حجم کنونی افزایش یابد (Benna & Garba, 2016: 6). این مساله در کشور ما و به خصوص از دهه ۶۰ هجری شمسی با قوانین اتخاذ شده سرعت بیشتری به خود گرفته است. در کنار افزایش شتابان شهرنشینی و رشد قارچ‌گونه محلات و بافت‌های ناکارآمد، مهم‌ترین چالش در این زمینه علاوه بر توسعه کالبدی بدون برنامه آن، ضعف و عدم کیفیت شاخص‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در این محلات و عرصه‌های شهری می‌باشد که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها را برای تمرکز تمامی اهداف و دستیابی به آن را سخت جلوه می‌دهد (اعتماد و حسامیان، ۱۳۸۸: ۴۷). عمده اقشار اجتماعی ساکن در این محلات و بافت‌های شهری مهاجران و طبقات فرودستی هستند که بسیار از شاخص‌های توسعه اجتماعی در وهله اول و متعاقباً شاخص‌های اقتصادی در بین آن‌ها در نازل‌ترین سطح خود قرار دارد (شکور و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱). از بعد کالبدی و زیست محیطی نیز به دلیل توسعه بدون برنامه‌ریزی، مکان‌گزینی اغلب این سکونتگاه‌ها در لبه شهری و روی اراضی با شیب تند و ناهموار و یا در اراضی حاشیه‌ای قرار دارد که هرگونه برنامه از پیش تعیین شده و با کیفیت‌های شاخص در ساخت مسکن و محیط کالبدی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. مسأله‌ای که تاب‌آوری کالبدی و مباحث بهداشتی و رفاهی این محلات را در بدترین کیفیت خود قرار داده است (فتح‌زاده و زاهد زاهدانی، ۱۳۹۴: ۶۲). در حقیقت مهم‌ترین چالش‌های بافت‌های ناکارآمد و عمدتاً غیررسمی در شهرهای کشور ما را می‌توان در نبود استانداردهای کیفی اجتماعی از قبیل کمبود سطح سواد، پایین بودن سطح مشارکت، نزول سطح سرمایه اجتماعی (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۶)، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، کمبود و پایین بودن سطح شاخص‌های اقتصادی در قالب اشتغال کاذب و بیکاری گسترده (سرور، ۱۳۹۳: ۶۰)، کمبود شاخص-

های کیفی و کمی استاندارد کالبدی به لحاظ کیفیت بنا، عمر بنا و مصالح مورد استفاده و نبود سرپناه مناسب و با کیفیت (مشکینی و تردست، ۱۳۹۸: ۱۲۸)، مشکلات دسترسی‌پذیری به لحاظ طراحی ارگانیک و بدون برنامه‌ریزی معابر و گذرگاه‌ها (باباخانی، ۱۳۹۷: ۱۸۶)، و چالش‌های زیست محیطی به لحاظ تخریب اراضی بستر و چالش‌های بهداشتی موجود در این بافت‌ها جستجو کرد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴). فرایندی که نیازمند در انداختن طرحی نو برای تبدیل کردن تهدیدها و ضعف‌ها به فرصتی برای رشد و شکوفایی و پایداری شهری در آن‌ها باشد. چرا که برحسب چالش‌های یاد شده وجهه پایداری شهری در این نقاط به جهت عدم توازن در برخورداری از منابع و پیشران‌های پایداری شهری از یک سو و ایمنی و تاب‌آوری شهری در راستای مدیریت صحیح مخاطرات شهری به جهت پایین بودن سطح استانداردها و تاب‌آوری کالبدی در این مناطق مبهم می‌باشد. برای درک صحیح و البته در انداختن رویکردی نو در این بافت‌ها و محلات رویکرد توان‌مهندسی مطرح شده است. در اواخر دهه ۱۹۸۰ راهبرد توان‌مهندسی با تأکید توسعه انسان‌مدار این بافت‌ها و ارج نهادن به توان‌مندی‌های او مطرح گردید (Homler & Dreschler, 2006: 3). طرح راهبرد توان‌مهندسی و پذیرش آن در نشست سازمان ملل متحد، انقلاب بزرگی در مطالعات حاشیه‌نشینی و پارادایم‌های مربوطه به مطالعات شهری بود. این رویکرد در راستای ارتقای سطح توان‌مندی، مشارکت‌پذیری و درگیر ساختن اجتماعات فقیر و ساکن در محلات ناکارآمد برای تصمیم‌گیری و مداخله در امور زندگی خود در راستای دستیابی بهینه به شاخص‌ها و منابع توسعه‌ای می‌باشد (فتح‌زاده و زاهد زاهدانی، ۱۳۹۴: ۶۶). در حقیقت این رویکرد و اتخاذ آن به ساکنان این فرصت را می‌دهد که محل زندگی خود را با توجه به نیازهای‌شان بهبود بخشند (قرخلو و میره، ۱۳۸۶: ۱۱۷). رهیافت توان‌مهندسی با سیاست‌گذاری دارایی - مینا و متکی بر سرمایه‌های اجتماعی، کالبدی و مالی ساکنان و با رویکردی فرایندگرا، ابزاری و ظرفیت‌سازی اجتماع محلی، افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها را نه به عنوان معضل بلکه به عنوان دارایی می‌نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی اقتصادی آن‌ها را با نقش تسهیلگر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توان‌مهندسی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید (پیری و رضائیان، ۱۳۹۳: ۶۴). در واقع با ظرفیت‌سازی این رویکرد در قالب ایجاد ساختارهای مدیریت اجتماع‌محور می‌توان به سمت پایداری شهری و مقابله با تهدیدات پیش رو در این بافت‌ها حرکت کرد. چرا که واگذاری نقش‌های مهم به جامعه شهروندی در این عرصه‌ها نوعی پدیداری حکمروایی خوب در قالب اجتماعات مردم‌محور می‌باشد که می‌تواند ظرفیتی برای ایجاد مشارکت، سرمایه اجتماعی و اعتماد و انسجام اجتماعی باشد تا با انعطاف‌پذیری رخ داده بتوان بر پایداری شهری در این عرصه‌های سکونتگاهی و تاب‌آوری آن از بعد مخاطرات شهری دست یافت.

کلانشهر تبریز نیز بنا به وضعیت حاکم بر توسعه‌گرایی فیزیکی و ساختاری شهرهای بزرگ کشور، کم و بیش با پدیده اسکان غیررسمی و نقاط حاشیه‌نشین و ناکارآمد شهری دست و پنجه نرم می‌کند. در باره ساماندهی و توان‌مهندسی این عرصه‌ها در کلانشهر تبریز گفته شده، طرح‌های توان‌مهندسی در

شهر تبریز و اغلب شهرهای بزرگ کشور که با سکونتگاه‌های غیررسمی مواجه هستند، معمولاً با برخورد به بوروکراسی شدید و نامعقول اداری، دچار نوعی انحراف در ماهیت معرفت‌شناختی و روش‌شناختی شده‌اند. بنابراین آن چه صورت گرفته است، نشانی از دگرگونی و یا تحول از ماهیت طرح‌های عمومی و موضعی که مدیریت شهری معمولاً انجام می‌دهد، ندارد. در حقیقت طرحی که بتواند به توانمندی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اجتماعات محلی مطابق با سند و هدف متعالی توان‌مندسازی پرداخته و نهایتاً نتیجه آن حرکت در این عرصه‌ها که به سمت پایداری شهری و تاب‌آوری آن‌ها در مقابل مخاطرات باشد صورت نگرفته است. محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد تبریز نیز در این فرایند به عنوان جزوی از کل کلان به نام کلانشهر تبریز از این قاعده مستثنی نبوده است. به نظر می‌رسد با ایجاد و پیگیری ساختاری نو در زمینه تصمیم‌سازی اجتماعات محلی در قالب حکمروایی آن‌ها در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی، و شمس‌آباد بتوان به تأثیرات مثبتی برای دستیابی به پایداری شهری و مدیریت مخاطرات با هدف تاب‌آوری‌سازی بافت‌ها و محلات مورد نظر دست یافت. چرا که مهم‌ترین مسأله در بافت‌های ناکارآمد و از جمله محلات مذکور با هدفی بنیانی به نام توان‌مندسازی، نبود سرمایه اجتماعی، مشارکتی و انگیزشی برای تغییر در شرایط اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و زیست محیطی محله از طرف خود ساکنان هست و بعد تسهیلگری نهادهای حاکمیتی نیز به درستی این فرایند را بسترسازی نکرده‌اند. پس می‌توان با تحقق حکمروایی اجتماعات محلی به تحقق‌پذیری پایداری شهری و مدیریت مخاطرات در این محلات اقدام نمود. هدف پژوهش حاضر توان‌مندسازی بافت‌های ناکارآمد شهری در راستای توسعه پایدار کلانشهر تبریز از منظر جامعه‌شناسی شهری می‌باشد.

فرایند مطالعات توان‌مندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی

توان‌مندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از مهم‌ترین رسالت‌های برنامه‌ریزی در این حوزه به شمار می‌رود. برنامه‌ریزی مرکز‌محور و اجرای طرح‌های توسعه‌ای بدون توجه به توانایی‌های نیروی انسانی در مناطق، در سالیان گذشته با شکست مواجه شده و یا ناکارآمد بوده است؛ به طوری که دست‌اندرکاران توسعه به این مهم پی برده‌اند، جوامع در سامان دادن امور خود و استفاده از منابعی که در اختیارشان است ظرفیت بالایی دارند و استفاده از این سرمایه با ارزش اجتماعی برای پیشرفت و شکوفایی جوامع محلی و کشور بسیار مفید و مؤثر است. دولت‌ها نیز در رویکرد جدید (مشارکتی) تلاش می‌کنند مشارکت جوامع محلی را در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های خود (دولتی)، به ویژه فقرزدایی جلب کنند؛ بنابراین، توان‌مندسازی، کانون و مرکز ثقل توسعه مشارکتی در عصر مدرن تلقی می‌شود؛ به این منظور برای توسعه و پیشرفت مناطق محلی باید به توانمندی‌ها، استعدادها و قابلیت‌های این جوامع به عنوان اصلی اساسی و از پیش شرط‌های توسعه پایدار، در بهره‌گیری از منابع طبیعی، اجتماعی و تکنولوژی پیشرفته، اهتمام ویژه‌ای شود (شاطریان و کیانی سلمی، ۱۳۹۵). براساس نظر برخی از دانشمندان

و پژوهشگران، توان‌مندسازی افراد به معنی تشویق افراد برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌هایی است که بر فعالیت آن‌ها مؤثر است؛ یعنی این‌که فضایی برای افراد فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوبی را بیافرینند و آن‌ها را به عمل تبدیل کنند (حسینیان و همکاران، ۱۳۸۹).

حکروایی خوب، دیدگاه‌ها

بانک جهانی حکروایی را به صورت ذیل تعریف می‌کند: «روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود.» توان‌مندسازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در برابر دیدگاه‌های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهای‌شان، توان‌مندی‌شان را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند (رهنا و همکاران، ۱۳۸۹). گافمن و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکروایی شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند. و باور بر این است که هر قدر در کشور، دولت پاسخگوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود که حکروایی خوب برقرار است. در دهه‌های اخیر، حکروایی به یکی از مفاهیم کلیدی مطالعات شهری تبدیل شده است. حکروایی فرآیندی است که به حضور کنشگران و ارتقاء نقش آنان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور ارج می‌نهد و در نهایت می‌تواند منجر به توسعه پایدار محیط شود. به تعبیری، حکروایی فرآیندی است که پیوند کنشگران حیظه عمومی و خصوصی را در بر می‌گیرد و بر حقانیت عرصه عمومی و مشارکت اجتماعی مردم در فرایند توسعه و در چارچوب شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌ورزد. در این میان با توجه به ناکارآمدی رویکردهای بالا به پایین در برنامه‌ریزی‌ها و نیز فزونی گرفتن مسائل و چالش‌های پیش روی کلانشهرها و شهرهای امروزی، توجه به رویکردها و شیوه‌های مشارکتی و دموکراتیک در برنامه‌ریزی‌ها و نظریه-پردازی‌های جدید در شیوه‌های اداره امور بیش از پیش احساس می‌شود.

تاب‌آوری شهری

تاب‌آوری بر گرفته از نظم و انضباط بیولوژیکی است، که توانایی ارگانیسم یک سیستم برای مقاومت در برابر و بهبود یافتن از یک شوک، فاجعه، بیماری تعیین می‌گردد. در نتیجه به صورت کلی تعریف تاب‌آوری یا «انعطاف‌پذیری» شهری را از این چشم‌انداز بحران شهری به طور کلی به توانایی یک منطقه و یا نظام شهری جهت مقاومت در برابر گسترده‌ای از شوک و تنش می‌توان بیان نمود (Agudelo-Vero).

3: et al, 2012). نکته مهم در مفهوم شناسی تاب‌آوری این است که بیش از سه دهه از تجارب آزمون و مطالعه بر روی تاب‌آوری می‌گذرد ولی، هنوز این واژه در حوزه‌های مختلف علمی دارای معانی متفاوت و متضاد است. بسیاری از تناقض‌های موجود بر سر معنای تاب‌آوری، از تمایل‌های شناختی، دیدگاه‌های موجود در سیستم‌های اکولوژیکی- اجتماعی و روش‌ها و تفاوت‌های مفهومی- بنیادی ناشی می‌شود. نتیجه این معانی متفاوت، ایجاد یک فرهنگ مبهم معنایی و رویکردهایی برای درک تاب‌آوری نسبت به شوک‌های خارجی یا مخاطره‌های طبیعی است. با وجود این، ایسر معتقد است افزایش ابهام و انعطاف- پذیری تاب‌آوری، بسیار با ارزش است؛ زیرا این مفهوم، در عمل ارتباط‌های نزدیک‌تری را بین رشته‌ها و علوم مختلف به وجود می‌آورد.

پیشینه تحقیق

مشکینی و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای تشریح کرده‌اند که توسعه شهری به طور عام در کشور و به طور خاص در تهران بر اثر بازتاب فضایی اسکان غیررسمی ناپایدار شده است این امر را نه می‌توان به امید خود رها نمود و نه با برخوردی مقطعی، گزینشی و پراکنده کاری پاسخگوی آن بود. پیدایش اسکان غیررسمی گویای وجود موانع ساختاری و ناکارآمدی سیاست‌های کنونی در تامین مسکن و خدمات رسانی لازم مرتبط با آن برای اقشار کم درآمد شهری در سطح کلان است. هم‌چنین در سطح خرد نیز ضعف مدیریت شهری، وجود منابع نامشروع گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ محلی و برخوردهای غیر قانونی- مند در پذیرش یا رد این سکونتگاه‌ها، مساله را تشدید نموده است و در راستای حل مسایل این گونه سکونتگاه‌ها برنامه‌ریزی دقیق و صحیحی به منظور ساماندهی و توان‌مندسازی آن‌ها ضروری است. پیری و رضائیان (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای در محلات اسکان غیررسمی مَلازینال، سیلاب، قوشخانه و خلیل‌آباد نتیجه می‌گیرند که مؤلفه‌های سیاست‌داری مبنای توسعه اجتماعات محلی یعنی سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی در توان‌مندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معنی‌داری دارند. فتح‌زاده و زاهد زاهدانی (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای بیان کرده‌اند که تدوین استراتژی مناسب برای توان‌مندسازی محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره‌سی شهر تبریز در ارتباط با شاخص‌های کالبدی- زیست محیطی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و مدیریت شهری برای برقراری عدالت اجتماعی در بین ساکنین شهر تبریز هدفی است که مقاله حاضر به دنبال آن می‌باشد. تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر توان‌مندسازی محلات و تحلیل آن‌ها در تکنیک SWOT، نشان داد که شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی مهم‌ترین عامل در توان‌مندسازی محلات می‌باشد. در بین ابعاد موردبررسی محلات، بعد قوت با مجموع امتیاز وزنی ۴۵/۳ و ضعف با ۳۰/۳، تهدیدات با ۸۰/۲ و فرصت با ۲۷/۲ مهم‌ترین عوامل در توان‌مندسازی محلات و استراتژی‌های رقابتی و تهاجمی با اختصاص دادن ۶/۱۴ از کل نمره عوامل (۴۸) و با میانگین امتیاز ۹/۲، مناسب‌ترین استراتژی برای توان‌مندسازی محلات می‌باشد.

استفاده از توان بالای مشارکتی ساکنان محلات در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در راستای ساماندهی بافت‌های فرسوده و بهسازی محلات با نمره ۳/۳، اجرای مانورهای بلایای طبیعی با رویکرد آگاه‌سازی ساکنین محله با نمره ۸/۲ و رعایت اصول فنی و مهندسی در ساخت و ساز واحدهای مسکونی و نظارت دقیق مهندسان ناظر با نمره ۳/۲، مهم‌ترین برنامه‌های اقدامی توان‌مهندسی محلات شناخته شد. تقوایی و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای نشان می‌دهد بین سرانه کاربری‌ها در وضع موجود با سرانه استاندارد در مقیاس محله‌ای اختلاف وجود دارد و همچنین محله اکبرآباد با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبرو است که از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به وضعیت نامناسب و در حال تخریب کاربری‌ها، نفوذناپذیری کوچه‌ها و معابر، از بین رفتن هویت محله‌ای و غیره اشاره کرد. شاطریان و کیانی سلمی (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای نشان داده است دو محله پشت مشهد بالا و طاهر و منصور شهر کاشان در ابعاد اجتماعی و کالبدی توان‌مهندسی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. بررسی مقایسه‌ای بین ابعاد توان‌مندی کالبدی و اجتماعی با استفاده از آزمون تی بیان‌کننده آن است میزان توان‌مندی کالبدی در بین ساکنان محله طاهر و منصور بالاتر از میزان آن در محله پشت مشهد بالا بوده است؛ همچنین، ساکنان محله طاهر و منصور نسبت به محله پشت مشهد بالا از توان‌مندی اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. مشکینی و تردست (۱۳۹۸)، در پژوهشی نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی به میزان ۰/۵۶۶ بر توان‌مهندسی سکونتگاه مورد بررسی موثر می‌باشد. همچنین ۹۱/۸ درصد از ساکنان محله تمایل به مشارکت فراگیر جهت ساماندهی و توان‌مهندسی محله از طریق مشارکت‌های تصمیم‌گیری و مدیریت، تامین مالی هزینه‌ها (انجام طرح‌ها)، تامین نیروی انسانی برای توسعه محله دارند. زرین کاویانی و همکاران (۱۳۹۸)، نشان دادند که وضعیت محله بان برز از یک سیستم پایدار تبعیت می‌کند. از طرفی ۴۱ درصد از توان‌مهندسی محله بان برز از طریق مولفه‌های ظرفیت‌سازی، همافزایی نهادی، آموزش و مشارکت، قابل تبیین است. در این میان، مولفه «ظرفیت‌سازی» با مقدار ویژه ۲/۲۸۹ بالاترین واریانس (۲۲/۸۹۳) و بیشترین سهم را در تبیین توان‌مهندسی محله بان برز داشته است. بر اساس روش تحلیل اثرات متقابل ساختاری، مولفه‌های امنیت (۴۰۶۴۸۴۳)، اعتماد (۴۸۰۹۴۴۳)، طولانی بودن فرآیند اداری تهیه و اجرای طرح‌ها (۴۹۵۷۴۶۴)، و آموزش جوانان (۴۸۱۴۸۵۵) مهم‌ترین موانع توان‌مهندسی اسکان غیررسمی هستند. در نتیجه، جهت توان‌مهندسی محلات اسکان غیررسمی، توسعه امنیت، آموزش ساکنین و تسریع در اجرای پروژه‌های عمرانی و اجتماعی در محله بان برز شهر ایلام ضروری است. ایلکای و لاسی (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای ذکر کرده‌اند که امروزه فقر شهری و به تبع آن شکل‌گیری محلات ناکارآمد و فقیر شهری یکی از وجوه بارز شهرهای بزرگ به خصوص در کشورهای در حال توسعه هست که به جهت انباشت امکانات بسیار مهاجران را به صورت غیر طبیعی به سمت خود جذب می‌کنند. آن‌ها این پدیده را به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی دست‌یابی به توسعه پایدار شهری در شهرهای بزرگ و گریبان‌گیر سیاست‌های مدیریت شهری دانسته‌اند. در این مطالعه تلاش شده است تا از توان‌مهندسی به عنوان راهکاری درونزا برای جلوگیری از

آثار پدیده فقر و پدیداری مناطق حاشیه‌ای و فقیرنشین یاد شود که می‌توان از طریق ظرفیت‌های درونی این مناطق و ساکنان آن از طریق بسته‌های تشویقی به حل چالش‌های آن‌ها اقدام کرد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD, 2012)، در مطالعه‌ای جامع به بررسی روش‌های ریشه‌کن‌سازی فقر و ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای و ناکارآمد در شهرهای جهان سوم پرداخته و بزرگ‌ترین راهکار را در این زمینه توان‌مندسازی معرفی کرده است. در این مطالعه اثرات مهاجرت از روستا به شهر، جایگزینی در بافت‌های ناکارآمد، بر هم خوردن توازن شهر در تامین خدمات شهری و شکاف اجتماعی به عنوان معضلات فرایند سکونتگاه‌های غیررسمی بر شمرده شده که در برخورداری از شاخص‌های توسعه در نازل‌ترین سطوح هستند. در این راستا راهکارهایی در زمینه ایجاد چهارچوب‌های مشارکتی، تسهیلگری اقتصادی و شرکت در طرح‌های توسعه به عنوان مواردی مهم در توان‌مندسازی ساکنان این محلات ذکر شده است. میلتن و ستروایت (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای با عنوان توان‌مندسازی شهروندان مناطق غیررسمی شهر، دولت محلی و جامعه مدنی این گونه تشریح کرده‌اند که دولت‌های محلی در راستای رسیدن به اهداف دموکراتیک و مشارکت‌گرای خود یکی از مهم‌ترین وظایف آن‌ها ایجاد توازن در مورفولوژی و توزیع منابع در شهرهاست. در این زمینه دستیابی به پایداری و ایده‌های آن در مناطق اسکان غیررسمی دشواری‌ها و چالش‌های خاص خود را دارد. بنابراین بایستی با تصمیمات انعطاف‌مند و ایجاد ساختارها و رویه‌هایی پویا به حل مسائل مربوط به این مناطق و ساکنان آن‌ها پرداخت. پس توان‌مندسازی یکی از این راهکارهای انعطاف‌مند و پویا در دستیابی به اهداف مدیریت برنامه‌ریزی شهری در این مکان‌ها می‌تواند باشد. آن هم از طریق ظرفیت‌سازی و ایجاد تسهیلات و تشویق ساکنان برای حل چالش‌های خود آنان. آدگان (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل پایداری عادلانه در مداخله در یک شهرک غیر رسمی ژوهانسبورگ این گونه تشریح کرده است که پرداختن به مشکلات در هم تنیده اجتماعی-اقتصادی و زیست محیطی در مناطق غیررسمی شهری تأکید بر لزوم پایداری عادلانه دارد. تولید مشترک مسکن شهری دامنه مفیدی را برای پیوند دادن موضوعات مربوط به پایداری با عدالت اجتماعی و زیست محیطی فراهم می‌کند. این مقاله با استفاده از مثال یک پروژه مجدداً مسدودسازی شده یعنی شهرک‌سازی غیررسمی در ژوهانسبورگ، نشان می‌دهد که چگونه تولید سکونتگاه‌های غیر رسمی ممکن است به عنوان یک رویکرد ممکن باشد و یا اصول پایداری را ترجیح ندهد. این مطالعه به داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با ساکنان و خبرگان اصلی و هم‌چنین پیاپی‌های داخل شهرک متکی بود. این مورد نشان می‌دهد که در این سکونتگاه‌های غیررسمی پایداری عادلانه وجود ندارد. یعنی شاخص‌های پایداری را نمی‌توان در آن شاهد بود. این امر نیاز به تلاش‌هایی دارد که با پیش‌بینی و نه پیش‌سازی، پویایی در زمینه تصمیم‌های چند مقیاس که در آن سکونتگاه‌های غیر رسمی تعبیه شده است، حرکت کنند. ساختارها، فرآیندها و روابط اجتماعی و نهادی، تولید و تولیدمثل، توزیع منابع، برای ایجاد حقایق پایداری اساسی در این مکان بسیار مهم هستند. مالاگو و همکاران (۲۰۱۸)، در

مطالعه‌ای با عنوان شکوفایی در مناطق فقیرنشین شهری: توسعه مترقی و توان‌مندسازی مناطق فقیرنشین شهری برای دستیابی به سکونتگاه‌های امن در فیلیپین این گونه ذکر کرده‌اند که: شهرهای پر رونق با رشد شدید مشخص و چالش‌های مربوط به آن با افزایش جمعیت شهری به سرعت و رشد سریع آن و در کنار آن مهاجرت‌های گسترده به شهرهای بزرگ باعث پیدایش مناطق غیررسمی و زاغه‌نشین شده است، زاغه‌نشینان در کشورهای در حال توسعه هم‌چنان به اشغال موقعیت‌های آسیب‌پذیر، عملکردها و ظواهر غیر منظم و بدون استانداردهای عادی در مناطق شهری می‌پردازند و ساکنان خود را در معرض ترس از اخراج و آوارگی از وضعیت معیشتی، سبک زندگی نامناسب و خانه‌های غیر بهداشتی و ناامن قرار می‌دهند. آن‌ها در مطالعه خود به ارزیابی راهکارهای توان‌مندسازی مناطق زاغه‌نشین در فیلیپین پرداخته و یکی از این راهکارها که موفق عمل کرده است توان‌مندسازی ساکنین در بخش مسکن شهری بوده است. این مقاله یافته‌های یک مطالعه جامع از شهرک‌های زاغه‌نشین را که در آن پیشرفت تدریجی شهرک‌های شهری در چارچوب سیاست‌های طرف‌دار مردم فیلیپین بود (توان‌مندسازی فقرا)، مورد بررسی قرار گرفته است. جایی که با ارائه تسهیلات و بهره‌گیری از ظرفیت ساکنان به ساخت مسکن‌های با دوام و بهداشتی در این محلات اقدام شده است. اسچیونس (۲۰۲۰)^۱ در مطالعه‌ای با عنوان توان‌مندسازی، این گونه تشریح کرده است که گفتمان در مورد توان‌مندسازی خصوصاً از اوایل دهه ۱۹۹۰ مباحث مربوط به توسعه را تحت تأثیر قرار داده است. همراه با کلمات کلیدی مشابه شامل "توسعه پایدار" و "مشارکت"، "توان‌مندسازی" الفاظی از طیف گسترده‌ای از آژانس‌های توسعه با اهداف متنوع اجتماعی و سیاسی را در بر گرفته و در آن گنجانیده شده است. در حالی که در ابتدا توان‌مندسازی با رویکردهای توسعه جایگزین همراه با حمایت از مشارکت مردم و توسعه سطح محلی همراه بود، اما از آن زمان توسط آژانس‌ها با ترویج دیدگاه‌های محافظه‌کارانه‌تر و نولیبرالی‌تر از توسعه همکاری می‌کنند. توان‌مندسازی صرفاً در مورد کارآیی شخصی نیست؛ بلکه ساختارهای فعلی قدرت که منجر به ظلم و ستم بر فقرا و محرومان شده است، به یک چالش مهم نیاز دارد. توان‌مندسازی از طرق مختلف تعریف و به کار گرفته شده است. مفهوم توان‌مندسازی به ویژه توسط جغرافی‌دانان توسعه (به ویژه علاقه‌مندان به جنست یا توسعه بومی)، جغرافی‌دانان فمینیستی، جغرافی‌دانانی که در حال مطالعه سایر گروه‌های کم‌قدرت‌تر (از جمله معلولین و کودکان) هستند و کسانی که از روش‌های تحقیق مشارکتی و فراگیر استفاده می‌کنند، استفاده شده است.

فرضیه‌ها

- اولویت تحقق حکمروایی اجتماعی محلی به عنوان الگوی ساختاری توان‌مندسازی در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد تبریز در تقویت بعد نهادی - مردمی می‌باشد.

^۱. Scheyvens

- اولویت برنامه‌ریزی برای تحقق پایداری شهری در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد تبریز با مؤلفه پایداری مسکونی می‌باشد.
- اولویت برنامه‌ریزی برای تحقق تاب‌آوری شهری در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد تبریز با تاب‌آوری اجتماعی این محله می‌باشد.
- حکمروایی اجتماعات محلی تأثیر ساختاری مثبت در تحقق پایداری شهری در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد تبریز دارد.
- حکمروایی اجتماعات محلی تأثیر ساختاری مثبت در تحقق تاب‌آوری شهری در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد تبریز دارد.
- مؤلفه‌های پایداری شهری دارای تأثیر ساختاری مثبت در تحقق تاب‌آوری شهری در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد تبریز می‌باشد.

تعریف متغیرها

- حکمروایی اجتماعات محلی:

- اشاره به شکل‌گیری رویه‌ای نو مبتنی بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در بین اجتماعات محلی دارد که در آن بر نقش مردم در قالب ظرفیت‌سازی مؤثر برای حل چالش‌ها و مشکلات و مشارکت در امور با بسته‌های تسهیل‌گرانه و تشویقی کمک می‌شود (توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۶).
- حکمرانی اجتماعات محلی در پژوهش حاضر سنجش آن از طریق شناسایی پیشران‌های تبیین‌کننده آن در قالب مدل پژوهش در محله شمس‌آباد تبریز می‌باشد.

- پایداری شهری:

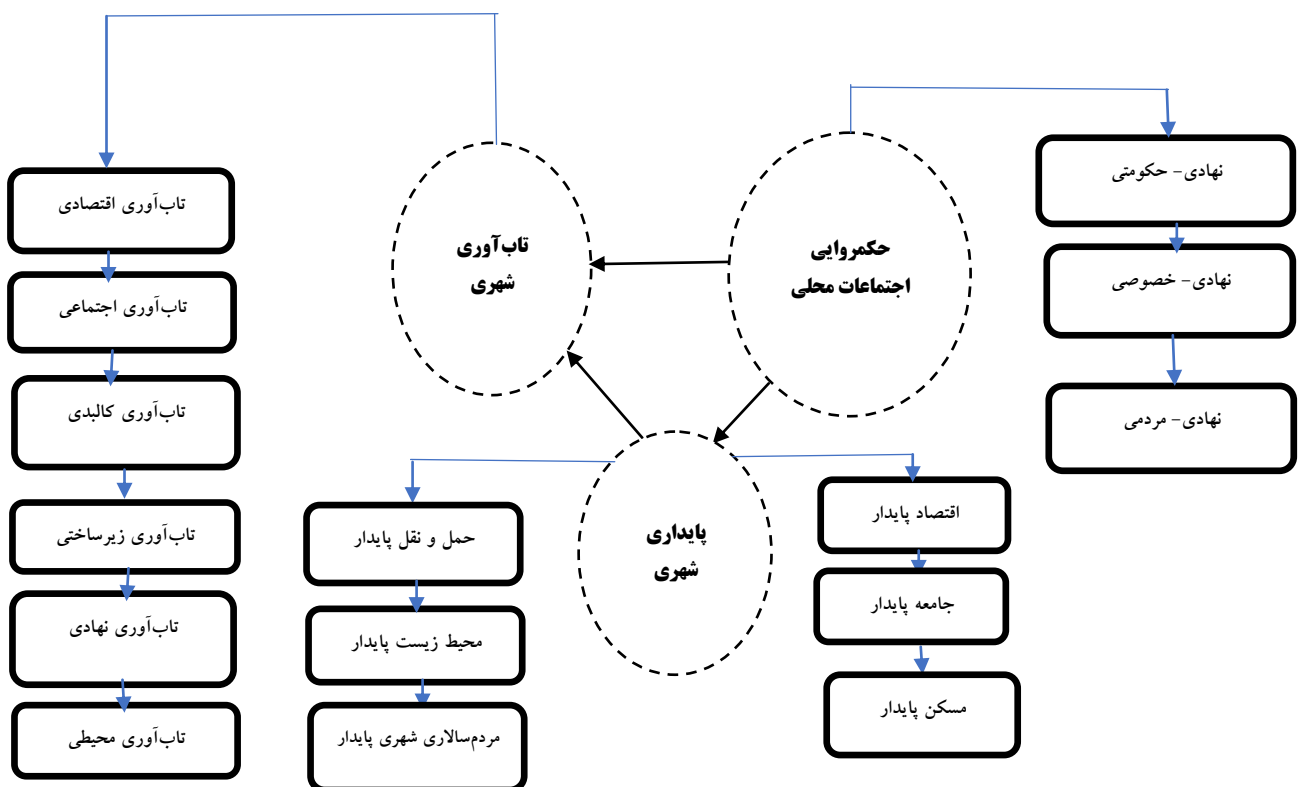
- اشاره به دست‌یابی به شکل، کارکرد و ساختار متوازن و توأم با معیارهای عدالت‌مندانانه در شهرها در راستای توسعه‌مندی پویا و منعطف آن می‌باشد بدون این که از ظرفیت‌های توسعه شهر برای آیندگان از آن کاسته شود (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۲).
- پایداری شهری از طریق مؤلفه‌های اقتصاد پایدار، جامعه پایدار، مسکن پایدار، حمل و نقل پایدار، محیط زیست پایدار، قابلیت زندگی پایدار و مردم‌سالاری شهری پایدار در محله شمس‌آباد تبریز سنجیده می‌شود.

- تاب‌آوری شهری:

رویکردی راهبردی در مدیریت مخاطرات شهری می‌باشد که هدف از آن ایجاد ظرفیت تحمل‌پذیری و منابع منابع انسانی و دارایی‌های زیرساختی و روساختی می‌باشد که بتوان در برابر تهدیدات و شوک‌های طبیعی (سیل، زلزله) و انسانی (جنگ، تروریسم) مقاومت نمود (امان‌پور و همکاران، ۱۳۹۸).

- تاب‌آوری شهری در راستای مدیریت مخاطرات شهری در پژوهش حاضر سنجش آن از طریق مؤلفه‌های تاب‌آوری اقتصادی، تاب‌آوری اجتماعی، تاب‌آوری کالبدی، تاب‌آوری زیرساختی، تاب‌آوری زیست محیطی و تاب‌آوری نهادی - مدیریتی در محله شمس‌آباد تبریز می‌باشد.

مدل تحلیلی



شکل شماره (۱): مدل مفهومی متغیرهای تحلیلی پژوهش

شناخت محله‌های مورد مطالعه

محله چوخورلار

محله چوخورلار به مساحت حدوداً ۵ هکتار، یکی از قدیمی‌ترین محله‌های تبریز می‌باشد که در ضلع شمالی باغ گلستان واقع گردیده است. این محدوده که در مطالعات طرح ساماندهی و بهسازی بافت فرسوده شهر، بخشی از محله ویجویه و در جنوب شرقی آن واقع گردیده، از سمت شمال به خیابان توحید، از سمت غرب به خیابان نیروی هوایی و از سمت جنوب به خیابان خرمشهر و از شرق به هنرستان وحدت محدود می‌شود. مساحت کل محله چوخورلار در حدود ۵ هکتار بوده و تحت نظر حوزه شهرداری منطقه ۴ می‌باشد.

محله قازان‌داغی

محله قازان‌داغی با قدمتی تقریباً ۵۰ ساله (با توجه به مطالعه وضع موجود بوده و مساحت آن حدوداً ۵ هکتار با جمعیتی در حدود ۱۵۰۰ نفر می‌باشد. تراکم ناخالص $33/8$ متر مربع و تراکم مسکونی برابر با $22/25$ مترمربع و تراکم ناخالص مسکونی (در هکتار) به میزان ۲۹۶ نفر می‌باشد که نرخ بسیار بالای تراکم را در این محله شاهد هستیم.

محله ملاحسین باغی

محله ملاحسین باغی در فضایی به وسعت ۱۵ هکتار در محدوده شهرداری منطقه ۲ و حد فاصل خیابان‌های خواجه نصیر، عطار نیشابوری و بلوار ملاصدرا قرار گرفته است و جزئی از بافت‌های حاشیه‌نشین جنوب شهر تبریز محسوب می‌شود که در دهه ۵۰ با مهاجرت روستاییان به سمت شهر تبریز شکل گرفته است. موقعیت قرارگیری این محله در لبه یکی از شریان‌های اصلی شهر تبریز و پتانسیل‌های موجود برای ارتقا کیفیت زیستی در این محله می‌باشد (طرح ساماندهی کوی ملاحسین باغی تبریز، ۱۳۹۵).

محله شمس‌آباد

محله شمس‌آباد در در فضایی به وسعت $18/5$ هکتار در محدوده شهرداری منطقه ۲ و حد فاصل محلات کوی فردوس، پرواز و گلشهر قرار گرفته است و جزئی از بافت‌های حاشیه‌نشین شهر تبریز محسوب می‌شود. یکی از ویژگی‌های خاص محدوده مورد مطالعه که آن را از سکونتگاه‌های غیررسمی معمول متمایز می‌کند، استقرار آن در میان بافتی نوساز و طراحی شده است. یکی از گرایش‌های اصلی چشم‌انداز منطقه ۲ تاکید بر ارتقاء کیفیت زندگی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. چشم‌انداز

محله شمس‌آباد در افق طرح بیانگر محله‌ای است که بر اساس برنامه بهسازی و ساماندهی به شاخص-های توسعه پایدار در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی دست یافته است.

روش تحقیق

برای گردآوری داده‌های توصیفی در بخش چهارچوب نظری، پیشینه و گردآوری پیشران‌ها و شاخص-های مربوط به متغیرهای پژوهش از روش کتابخانه‌ای به صوت مراجعه به اسناد متن پایه معتبر (کتب و مقالات داخلی و خارجی معتبر) استفاده شده است. برای گردآوری داده‌های تحلیلی از روش پیمایش استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بود که دارای ۷۹ سؤال شامل پایداری شهری ۳۰ سؤال، تاب‌آوری شهری ۲۷ سؤال و حکمروایی شهری ۲۲ سؤال. از روش دلفی برای سنجش متغیرهای استخراج شده استفاده شد. اعتبار ابزار سنجش از طریق اعتبار صوری و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین گردید.

جامعه آماری

جامعه آماری، چهار محله ناکارآمد در سطح کلانشهر تبریز شامل محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد بودند. برای هر محله ۷۷ نفر تعیین گردید که با نظر کارشناسان این تعداد برای افزایش اعتبار پژوهش، به ۱۲۵ نفر افزایش یافت. نمونه‌گیری به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب و تعداد ۵۰ پرسشنامه کارشناس محور جهت تعیین شاخص‌های کلیدی حکمروایی، پایداری و تاب‌آوری با رویکرد هنجارهای ایرانی-اسلامی در محلات مذکور بین خبرگان حوزه حکمروایی، پایداری و تاب‌آوری شهری توزیع گردید.

یافته‌ها

محله چوخورلار

در محله چوخورلار، کمترین میانگین اختصاص یافته به متغیر کلی توسعه پایدار شهری، متعلق به مسکن شهری پایدار با ضریب ۱/۷۵ است که نشان از ضعف کیفیتی و کالبدی این مقوله در منطقه مورد مطالعه دارد. در این راستا، بیشترین میانگین به دست آمده، متعلق به محیط شهری پایدار با ضریب ۲/۲۰ است که از میانگین نظری ۳ کمتر است و نشان از عدم رضایت جمعی از تمامی متغیرهای به کار گرفته شده در این زمینه دارد. همچنین در رابطه با متغیر تاب‌آوری شهری، مؤلفه تاب‌آوری اقتصادی با ضریب ۱/۹۵، کمترین مقدار را داراست و نشان از ضعف اقتصادی منطقه دارد. بیشترین ضریب اختصاص یافته در این گروه، مربوط به شاخص ساختاری-عملکردی با میانگین ۲/۳۰ است که این گزینه نیز با وجود ثبت بالاترین ضریب، درجه نارضایتی نسبی بالایی از خود نشان می‌دهد. در نهایت، در گروه متغیرهای

حکروایی اجتماعات محلی، متغیر مشارکت بخش خصوصی با ضریب $۱/۸۳$ ، کمترین ضریب را به خود اختصاص داده که ریشه‌های استخراج این گزینه از بین عوامل دیگر را می‌توان در بین عوامل کلان برنامه‌ریزی شهری جستجو کرد که به عنوان معضلی اساسی در کشور مطرح است. همچنین بیشترین ضریب اختصاص یافته به متغیرهای حکروایی، به مشارکت مردمی مربوط می‌شود که نشان از تمایل و عزم تقریباً بالای مردم در مشارکت عمومی برای بالا بردن سطح توسعه منطقه دارد. برای محله چوخورلار، کمترین مقدار انحراف معیار، به ترتیب متعلق به محیط شهری پایدار، تاب‌آوری اقتصادی و مشارکت مردمی است که نشان از متجانس‌تر بودن گروه مورد مطالعه از لحاظ ویژگی مورد سنجش است.

محله قازان‌داغی

در محله قازان‌داغی، کمترین میانگین اختصاص یافته به متغیر کلی توسعه پایدار شهری، متعلق به مردم‌سالاری شهری پایدار با ضریب $۲/۲۱$ است که از میانگین نظری ۳ به صورت قابل توجهی پایین‌تر است. یکی از دلایل به دست آمدن چنین نتیجه‌ای، سکنی گزیدن افراد تحصیلکرده (به دلیل مجاورت با دانشگاه‌های علوم پزشکی و سراسری تبریز) در این محل است که نشان از آگاهی بیشتر این قشر، در رابطه با حقوق مدنی و شهروندی است. همچنین، بیشترین میانگین به دست آمده، متعلق به محیط شهری پایدار با ضریب $۲/۷۰$ است که با نتایج به دست آمده برای چوخورلار، همپوشانی دارد و نشان از همپوشانی دو منطقه مورد مطالعه است. همچنین در رابطه با متغیر تاب‌آوری شهری، مؤلفه تاب‌آوری شهری - محیطی با ضریب $۲/۲۱$ ، کمترین مقدار را داراست و در این منطقه، با وجود طرح‌های ساماندهی اخیر، بیشترین نارضایتی در محله مورد مطالعه را داراست. بیشترین ضریب اختصاص یافته در این گروه، مربوط به شاخص تاب‌آوری اجتماعی با میانگین $۲/۴۰$ است که این گزینه نیز با وجود ثبت بالاترین ضریب، درجه نارضایتی نسبی بالایی از خود نشان می‌دهد. در نهایت، در گروه متغیرهای حکروایی اجتماعات محلی، متغیر مشارکت مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی با ضریب $۲/۳۲$ ، کمترین ضریب را به خود اختصاص داده که ریشه‌های انتخاب این گزینه از بین عوامل دیگر را می‌توان در بین عوامل مدیریتی کلان و خرد جستجو کرد که به عنوان بحرانی اساسی در کشور مطرح است. همچنین بیشترین ضریب اختصاص یافته به متغیرهای حکروایی، به مشارکت مردمی با ضریب $۲/۸۵$ مربوط می‌شود که نشان از تمایل و عزم تقریباً بالای مردم در مشارکت عمومی برای بالا بردن سطح توسعه منطقه دارد که در این راستا، این نتیجه، با نتایج محله چوخورلار همپوشانی دارد. کمترین مقدار انحراف معیار، به ترتیب متعلق به محیط شهری پایدار، تاب‌آوری اقتصادی و مشارکت مردمی است که نشان از متجانس‌تر بودن گروه مورد مطالعه از لحاظ ویژگی مورد سنجش است.

محله ملاحسین باغی

کمترین میانگین اختصاص یافته به متغیر کلی توسعه پایدار شهری، متعلق به حمل و نقل شهری پایدار با ضریب $2/38$ است که از میانگین نظری ۳ به صورت قابل توجهی پایین‌تر است. همچنین، بیشترین میانگین به دست آمده، متعلق به مسکن شهری پایدار با ضریب $3/22$ است که از میانگین نظری ۳ بالاتر است و نشان از رضایت نسبی این متغیر از نظر اهالی منطقه مورد مطالعه دارد که دلیل آن را می‌توان ساخت و سازهای بالنسبه بیشتر در این محله با توجه به موقعیت جغرافیایی آن دانست. همچنین در رابطه با متغیر تاب‌آوری شهری، مؤلفه تاب‌آوری ساختاری - عملکردی با ضریب $2/45$ ، کمترین مقدار را داراست و در این منطقه، بیشترین نارضایتی در رابطه با ساختارهای مدیریتی و عملکردی در مقابل بحران‌های طبیعی و انسانی را داراست. بیشترین ضریب اختصاص یافته در این گروه، مربوط به شاخص تاب‌آوری اقتصادی با میانگین $2/88$ است که این گزینه نیز با وجود ثبت بالاترین ضریب، درجه نارضایتی نسبی از خود نشان می‌دهد، با این وجود در بین عوامل دیگر، بهترین شرایط را از نظر سنجش ذهنی ساکنین محله دارد. در گروه متغیرهای حکمروایی اجتماعات محلی، متغیر رهبری و مدیریت با ضریب $2/25$ ، کمترین ضریب را به خود اختصاص داده است که عدم وجود شفافیت در سازمان‌های شهری در کنار نداشتن تخصص کافی مدیران در برنامه‌ریزی بهینه برای اجتماعات محلی و عدم اتکا به برنامه‌ریزی پایین به بالا را می‌توان از عمده‌ترین کمبودهای این محله ذکر کرد. همچنین بیشترین ضریب اختصاص یافته به متغیرهای حکمرانی، به مشارکت مردمی با ضریب قابل توجه $3/31$ مربوط می‌شود که همانند دو محله مورد بررسی مذکور، نشان از تقاضای بالای مردم در مشارکت عمومی برای بالا بردن سطح توسعه منطقه دارد که در این راستا، این نتیجه، با نتایج محله چوخورلار و قازان‌داغی همپوشانی دارد. برای محله ملاحسین باغی، کمترین مقدار انحراف معیار، به ترتیب متعلق به حمل و نقل شهری پایدار، تاب‌آوری اقتصادی و مشارکت مردمی است که نشان از متجانس‌تر بودن گروه مورد مطالعه از لحاظ ویژگی مورد سنجش است که نتایج محله مورد بررسی در دو شاخص متأخر، با دو محله چوخورلار و قازان‌داغی همپوشانی دارد.

محله شمس‌آباد

بر اساس نتایج توصیفی به دست آمده در محله شمس‌آباد تبریز، کمترین میانگین اختصاص یافته به متغیر کلی توسعه پایدار شهری، متعلق به حمل و نقل شهری پایدار با ضریب $2/27$ است که از میانگین نظری ۳ به صورت قابل توجهی پایین‌تر است که نشان از ضعف بودن رضایت‌مندی از این متغیر در بین اهالی محله را دارد که نتیجه مذکور با محله ملاحسین باغی همپوشانی دارد. همچنین، بیشترین میانگین به دست آمده، متعلق به جامعه شهری پایدار با ضریب $2/60$ است که با وجود پایین‌تر بودن از میانگین نظری ۳، دارای بهترین عملکرد از نظر ساکنین محله شمس‌آباد می‌باشد. همچنین در رابطه با متغیر تاب-

آوری شهری، مؤلفه تاب‌آوری شهری- محیطی با ضریب ۲/۲۱، کمترین مقدار را داراست که با نتایج محله‌غازان‌داغی در این زمینه، دارای همپوشانی است که نشان از ضعف دو منطقه در مواجهه با اصول صحیح کاربری اراضی، نقص در قوانین و انجام غیر صحیح اصول برنامه‌ریزی شهری و محیطی دارد. بیشترین ضریب اختصاص یافته در این گروه، مربوط به شاخص تاب‌آوری ساختاری- عملکردی با میانگین ۲/۴۰ است که این گزینه نیز با وجود ثبت بالاترین ضریب، درجه نارضایتی نسبی از خود نشان می‌دهد، با این وجود در بین عوامل دیگر، بهترین شرایط را از نظر سنجش ذهنی ساکنین محله دارد. با این حال چنین درجه رضایت‌مندی، قابل قبول نیست. در گروه متغیرهای حکمرانی اجتماعات محلی، متغیر رهبری و مدیریت در کنار متغیر مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی با ضریب مشابه ۲/۳۲، کمترین ضریب را به خود اختصاص داده است و عدم وجود شفافیت در سازمان‌های شهری در کنار نداشتن تخصص کافی مدیران در برنامه‌ریزی بهینه برای اجتماعات محلی و عدم اتکا به برنامه‌ریزی پایین به بالا در کنار عدم پاسخگویی مسئولین در قبال وظیفه مدیریتی خود و عدم وجود ارتباط سازنده با مردم ساکن در محل را می‌توان از اهم کمبودهای این محله ذکر کرد. همچنین بیشترین ضریب اختصاص یافته به متغیرهای حکمرانی، مانند سه منطقه بررسی شده دیگر، به مشارکت مردمی با ضریب قابل توجه ۲/۵۸ مربوط می‌شود که نشان از تقاضای بالای مردم هر چهار محل مورد مطالعه در مشارکت عمومی برای بالا بردن سطح توسعه منطقه دارد. کمترین مقدار انحراف معیار، به ترتیب متعلق به محیط شهری پایدار، تاب‌آوری ساختاری- عملکردی و مشارکت بخش خصوصی است که نشان از متجانس‌تر بودن گروه مورد مطالعه از لحاظ ویژگی مورد سنجش است.

یافته‌های توصیفی مستخرج از پرسشنامه توسعه پایدار شهری

از دید پاسخ دهندگان محلات، سطح ارزیابی ساکنان از اقتصاد پایدار شهری در منطقه مورد مطالعه از سطح متوسط کمتر است. تنها متغیر مربوط به میزان مشارکت مردم در برابر حوادث دلالت دارد، با میانگین ۳/۲۷، بالاتر از سطح میانگین است که نشان از تمایل به مشارکت ساکنین جهت نیل به توسعه اجتماعی در سطح شهر دارد که در طول سالیان، چنین پتانسیلی در سطح شهر نادیده گرفته شده است. میزان وجود و دسترسی به مسکن پایدار در محلات انتخابی از نظر ساکنین، ضعیف به نظر می‌رسد. در راستای توسعه شهری، حفاظت از مکان‌های بکر و محیط شهری، از نظر ساکنین ضعیف به نظر می‌رسد که این خود نیز مبین نیاز به توجه بیشتر به این مکان‌هاست که در سال‌های اخیر مورد تاراج و هجوم سازندگان مسکن قرار گرفته‌اند که نتیجه‌اش در خطر قرار گرفتن مکان‌های بکر، مخصوصاً در محله شمس‌آباد است. در جهت توسعه حمل و نقل شهری، عواملی نظیر داشتن زیرساخت‌ها، دسترسی پایدار به تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و بدون تأثیر منفی بر منابع طبیعی، ضعیف به نظر می‌رسد. میزان برخورداری از زیرساخت‌های حمل و نقل پایدار از منظر ساکنین از میانگین ۲ نیز کمتر است که نشان از

وخیم بودن اوضاع در این رابطه دارد. در راستای مردم‌سالاری شهری پایدار، عواملی نظیر استقبال از مشارکت ساکنین محلات انتخابی در طرح‌های توسعه شهری از قبیل مشارکت در اجرا و برنامه‌ریزی، از منظر ذهنی ساکنان در سطح ضعیف به نظر می‌رسد. موارد مذکور در کنار امکانات عینی ضعیف؛ کیفیت زندگی این ساکنان را نیز تحت تأثیر قرار داده است و باعث نارضایتی شهروندان محلات انتخابی چهارگانه گردیده است.

یافته‌های توصیفی مستخرج از پرسشنامه ادغامی تاب‌آوری شهری

بنا بر اطلاعات به دست آمده، میانگین تمام سؤال‌های این متغیر به جز سؤال ۵ که دارای میانگین نظری ۳/۱۵ است، از میانگین نظری متوسط یعنی مقدار ۳ کمتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه، گزینه‌های خیلی ضعیف و ضعیف را بیشتر انتخاب نموده‌اند. این در حالی است که سؤال ۵ این متغیر، نشان از تعداد بالای افرادی است که پایین‌تر از خط فقر، روزگار خود را سپری می‌کنند و از وضعیت اقتصادی خود رضایت ندارند که این مورد، آن‌ها را در برابر مسائل اقتصادی و معیشتی بسیار آسیب‌پذیر می‌کند که بررسی محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد مبین وجود چنین مشکلی است که ریشه در مسائل کلان مدیریتی و اقتصادی کشور دارد که در این مناطق، به دلیل وجود شهروندان در حاشیه به صورت بحران جلوه می‌نماید که در نهایت باعث ایجاد ضعیف‌ترین اقشار در قبال مسائل اقتصادی و معیشتی در سطح شهر می‌شود و به صورتی مخرب، از سرعت توسعه همه‌جانبه شهر می‌کاهد. علاوه بر مطالب مطرح شده، سؤال ۱، دارای میانگین پایین‌تری نسبت به دیگر سؤالات توسعه پایدار شهری است که به توانایی مالی شهر در مواجهه با بحران‌ها اشاره دارد و نشان از عدم اعتماد شهروندان این محلات، به آمادگی ارگان‌های شهری در مقابل بروز بحران‌ها دارد. بنا بر اطلاعات به دست آمده، میانگین تمام سؤال‌های این متغیر هم‌چون پرسش‌های متغیرهای پیشین به جز سؤالات ۱۰ و ۱۲ که به ترتیب دارای میانگین نظری ۳/۱۵ و ۳/۳۱ است، از میانگین نظری متوسط یعنی مقدار ۳ کمتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه، گزینه‌های خیلی ضعیف و ضعیف را بیشتر انتخاب نموده‌اند. بر این اساس در محلات چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد کمترین میانگین پاسخ داده شده، مربوط به سؤال ۶ پرسشنامه دوم پژوهش و در رابطه با پایداری ساختاری عملکردی مراکز حیاتی مانند صدا و سیما و مراکز حمل و نقل می‌باشد که این مورد نارضایتی بالنسبه شدیدتری در بین اهالی مناطق انتخابی دارد که در این راستا، آگاهی از تجربه‌های قبلی این اهالی از عملکرد این مراکز، از دلایل اختصاص چنین نمراتی به این مورد دارد. بنابر اطلاعات به دست آمده، میانگین تمام سؤال‌های این متغیر نیز به جز سؤال ۱۸ که دارای میانگین نظری ۳/۱۱ است، از میانگین نظری متوسط یعنی مقدار ۳ کمتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه، گزینه‌های

خیلی ضعیف و ضعیف را بیشتر انتخاب نموده‌اند. بر این اساس بیشترین میانگین انتخابی، در محلات انتخابی (چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد)، کمترین میانگین پاسخ داده شده، مربوط به سؤال ۱۸ پرسشنامه دوم پژوهش و در رابطه با مشارکت شهروندان در کارگاه‌های آموزشی آمادگی امداد و نجات می‌باشد که نشان دهنده علاقه شدید مردم این مناطق به مشارکت در مقابله با بحران‌های طبیعی و انسانی است که در تحلیل نتایج به دست آمده در ادامه پژوهش به این مقوله حیاتی اشاره خواهد گردید، کما این که در بخش‌های پیشین پژوهش حاضر، از این متغیر مهم اجتماعی سخن به میان آورده شد. همچنین، کمترین میانگین به دست آمده در رابطه با تاب‌آوری اجتماعی، آگاهی از نحوه مواجهه با مخاطرات طبیعی و انسانی و مدیریت بعد از آن با میانگین ۱/۹۲ انتخاب گردید. بر این اساس، مردم این مناطق، از عدم آگاهی در نحوه مواجهه با بحران‌ها، شکایت داشتند و از عدم وجود برنامه‌های کافی آموزش مدیریت فردی و اجتماعی بحران ناراضی بودند. بنا بر اطلاعات به دست آمده، میانگین تمام سؤال‌های این متغیر از میانگین نظری متوسط یعنی مقدار ۳ کمتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه، گزینه‌های خیلی ضعیف و ضعیف را بیشتر انتخاب نموده‌اند. بر این اساس بیشترین میانگین انتخابی، در محلات انتخابی (چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد)، بیشترین میانگین پاسخ داده شده، مربوط به سؤال ۲۱ پرسشنامه دوم پژوهش با میانگین ۲/۴۹ و در رابطه با وضعیت تراکم ساختمانی در بافت‌های فرسوده این محلات است که با وجود دارا بودن بیشترین میانگین بین دیگر سؤالات این متغیر، دارای وضعی تراکم ساختمانی زیاد و وضعیت ضعیف رضایت مردم این مناطق از وضعیت تراکم ساختمانی در منطقه است که در سال‌های اخیر مورد تهاجم سازندگان مسکن قرار گرفته است و تراکم را در این منطقه به شدت بالا برده‌اند. همچنین، بیشترین میانگین به دست آمده در رابطه با تاب‌آوری شهری - محیطی، مربوط به سؤال ۲۵ و در رابطه با اتکاء به دیپلماسی جمعی برای روریاری با بحران‌های زیست محیطی است که نشان از عدم امکان مشارکت مردم و نارضایتی آن‌ها از نحوه مواجهه با مخاطرات طبیعی و انسانی هست.

یافته‌های توصیفی مستخرج از پرسشنامه ادغامی حکمروایی اجتماعات محلی

بنا بر اطلاعات به دست آمده، میانگین تمام سؤال‌های این متغیر از میانگین نظری متوسط یعنی مقدار ۳ کمتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه، گزینه‌های خیلی ضعیف و ضعیف را بیشتر انتخاب نموده‌اند. این در حالی است، که سؤال ۵ این متغیر، پایین‌ترین حد میانگین در بین دیگر سؤالات این قسمت است که توانایی درآمدزایی برای شهر در راستای ایجاد زیرساخت‌ها و رسیدگی به نیازهای شهر در بخش توان‌مندسازی بافت‌های ناکارآمد شهری با میانگین ۱/۹۷، ضعیف و خیلی ضعیف ارزیابی شده است، این در حالی است که شهرداری در سال‌های اخیر اقدام به فروش تراکم جهت درآمدزایی نموده است و صاحب درآمد‌های آن چنانی شده است و دلیل

عدم توجه به مسائل زیرساختی و تسهیلاتی ارتباط چندانی به مسائل درآمدزایی شهر ندارد و دلیل اصلی آن را باید در وجود مسائلی نظیر فساد گسترده در بدنه شهرداری و عدم وجود تخصص و تعهد در قبال مسائل مدیریتی و برنامه‌ریزی می‌توان عنوان کرد که انتخاب این موضوع توسط شهروندان این مناطق نشان از عدم آگاهی‌های کافی در این زمینه دانست. البته وجود تحریم‌های بین‌المللی، شرایط درآمدزایی برای کشور و شهرها را دچار چالش اساسی نموده است و وجود چنین اقتصاد نفتی در زمان‌های ایجاد تحریم، بیشترین ناکارآمدی در سیستم اداره مملکت و شهرها را ایجاد کرده است که این مورد، آن‌ها را در برابر عدم مدیریت و تهیه زیرساخت با چالش اساسی مواجهه می‌کند. علاوه بر مطالب مطرح شده، سؤال ۲، دارای میانگین بیشتری نسبت به دیگر سؤالات عوامل مدیریتی حکمروایی اجتماعات محلی است که میانگین این گزینه نیز نشان دهنده وجود نارضایتی آشکار در شفافیت تخصیص طرح‌ها و پروژه-های توان‌مهندسی محلات مختلف شهری است. بنا بر اطلاعات به دست آمده، میانگین تمام سؤالات محلی این متغیر از میانگین نظری متوسط یعنی مقدار ۳ کمتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه، گزینه‌های خیلی ضعیف و ضعیف را بیشتر انتخاب نموده‌اند. بر این اساس بیشترین میانگین انتخابی، در محلات انتخابی (چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد) مربوط به سؤال ۱۰ پرسشنامه سوم پژوهش و در رابطه با پاسخگویی به مردم در قبال تغییرات حاصل از طرح‌ها و برنامه‌های توان‌مهندسی شهری است که با وجود میانگین بالاتر نسبت به دیگر سؤالات پژوهش، دارای میانگین نظری ۲/۶۵، میانگین نازلی را در این زمینه نشان می‌دهد که گویای عدم وجود شفافیت در اختصاص طرح‌ها به صاحبان اصلی و کارآمد و عدم وجود الزام پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در ارکان اداره شهر، به وضوح قابل مشاهده است. هم‌چنین، کمترین میانگین به دست آمده در رابطه با متغیر پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، مربوط به سؤال ۹ در رابطه با پاسخگویی در برابر اقدامات و اتخاذ تصمیمات سازنده در فرآیند پیشبرد طرح‌های توان‌مهندسی شهری است که با میانگین نظری ۲/۲۶، دارای وضعیت نگران‌کننده‌ای نسبت به سایر متغیرها در این مبحث دارد که در ادامه با تحلیل عوامل مدیریتی و پاسخگویی بدان پرداخته خواهد شد. بنا بر اطلاعات به دست آمده، میانگین تمام سؤالات محلی این متغیر از میانگین نظری متوسط یعنی مقدار ۳ کمتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه، گزینه‌های خیلی ضعیف و ضعیف را بیشتر انتخاب نموده‌اند. بر این اساس بیشترین میانگین انتخابی، در محلات انتخابی (چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد) مربوط به سؤال ۱۵ پرسشنامه سوم پژوهش و در رابطه با مشارکت بخش خصوصی در ترویج همیاری و مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه در راستای توان‌مهندسی شهری است که با وجود میانگین بالاتر نسبت به دیگر سؤالات پژوهش، دارای میانگین نظری ۲/۴۸، میانگین نازلی را در این زمینه نشان می‌دهد که گویای عدم علاقه بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها به علت دست آوردن سود بیشتر و عدم حمایت سازمان‌های شهری از این شرکت‌ها است. هم‌چنین، کمترین

میانگین به دست آمده در رابطه با متغیر مشارکت بخش خصوصی، مربوط به سؤال ۱۷ در رابطه با وجود طرح‌های داوطلبانه مشارکتی برای بخش خصوصی در کلیه طرح‌های توسعه‌ای، خدماتی و نظارتی در توان‌مندسازی بافت‌های ناکارآمد است که با میانگین نظری ۲/۲۱، همانند مورد قبلی مذکور، دارای وضعیت نارضایت بخش از طرف اهالی دارد که در ادامه با تحلیل نقش بخش خصوصی در توان‌مندسازی بافت‌های ناکارآمد شهری بدان پرداخته می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، بیشترین میانگین انتخابی، در محلات انتخابی (چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد) مربوط به سؤال ۱۸ پرسشنامه سوم پژوهش و در رابطه با مشارکت مردم و شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه توان‌مندسازی شهری است که دارای میانگین نظری ۳/۵۴، میانگین بالاتر از ۳ را نشان می‌دهد که گویای علاقه این بخش از شهروندان جهت مشارکت در اداره امور محلی و شهری است. همچنین، کمترین میانگین به دست آمده در رابطه با متغیر مشارکت شهروندان، مربوط به سؤال ۲۰ در رابطه با وجود گروه‌های داوطلبی و تیم مردمی برای نظارت و تصمیم‌گیری در راستای پیشبرد طرح‌های توان‌مندسازی شهری است که با میانگین نظری ۲/۱۴، نشانگر عدم وجود مدیریت و برنامه‌ریزی جهت بسیج نیروهای مردمی و داوطلبی در پیشبرد اهداف توسعه‌ای مناطق است.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده حکایت از وجود مشکلات و نارضایتی‌هایی در محلات مورد مطالعه دارد. میانگین نظری کمتر از ۳ برای کل محلات برای حدود ۹۰ درصد از میانگین متغیرها، مؤید ادعای فوق است که میانگین متغیرهای مورد استفاده اعم از مفاهیم پایداری، تاب‌آوری، حکمروایی در این اجتماعات ضعیف است و نشان از عدم رضایت ذهنی شهروندان محلات مورد مطالعه را دارد. بر این اساس در پژوهش حاضر کمترین میانگین به دست آمده از پرسشنامه‌های توسعه پایداری شهری، تاب‌آوری شهری و حکمروایی اجتماعات محلی در حوزه چهار محله چوخورلار، قازان‌داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد مربوط به متغیرهای زیر است:

جدول شماره (۱): نتایج به دست آمده از کمترین میانگین متغیرها در پرسشنامه‌های پژوهش به تفکیک محلات

محلات	توسعه پایداری شهری	تاب‌آوری شهری	حکمروایی اجتماعات محلی
چوخورلار	مسکن پایدار	تاب‌آوری اقتصادی	مشارکت بخش خصوصی
قازان‌داغی	مردم‌سالاری پایدار	تاب‌آوری محیطی - شهری	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی
ملاحسین باغی	حمل و نقل شهری پایدار	تاب‌آوری ساختاری - عملکردی	رهبری و مدیریت
شمس‌آباد	حمل و نقل شهری پایدار	تاب‌آوری شهری - محیطی	رهبری و مدیریت - مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

بر این اساس، دو محله قازان‌داغی و شمس‌آباد در دو مؤلفه تاب‌آوری شهری - محیطی و مسئولیت - پذیری و پاسخگویی دارای همپوشانی هستند. هم‌چنین نتیجه محله شمس‌آباد در دو مؤلفه حمل و نقل شهری پایدار و رهبری و مدیریت با نتیجه محله ملاحسین باغی دارای همپوشانی است. بر این اساس، متغیر حمل و نقل پایدار شهری در کنار متغیرهای تاب‌آوری شهری - محیطی، مدیریت و مسئولیت‌پذیری دارای بیشترین تأکید بر ضعف ساختاری و عملکردی هستند. میانگین به دست آمده نشانگر این است که محله چورخولار دارای کمترین رضایت‌مندی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه شهری شامل پایداری شهری، تاب‌آوری شهری و حکمروایی اجتماعات محلی است. در این راستا، میانگین به دست آمده برای پرسشنامه پایداری شهری ۲/۰۱، پرسشنامه تاب‌آوری شهری ۲/۱۵ و حکمروایی اجتماعات شهری ۲/۰۵ است که کمترین مقدار در بین محلات انتخابی است. پس از چورخولار، شمس‌آباد در متغیر پایداری شهری با میانگین ۲/۳۹، کمترین میانگین را داراست و پس از آن محله قازان‌داغی با ۲/۴۲ و ملاحسین باغی با ۲/۸۶ در رده‌های بعدی قرار گرفتند. در رابطه با متغیر تاب‌آوری شهری، دومین رتبه کمترین میانگین، به قازان‌داغی و شمس‌آباد با ضریب مشابه ۲/۲۹ اختصاص یافت و پس از آن ملاحسین‌باغی با ضریب ۲/۸۶ قرار گرفت. در نهایت برای متغیر حکمروایی اجتماعات محلی، محله شمس‌آباد پس از چورخولار در رتبه دوم با ضریب ۲/۴۱ قرار گرفت و محلات قازان‌داغی با ۲/۴۹ و شمس‌آباد با ۲/۶۲ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

حمل و نقل پایدار شهری

عدم کفایت سیستم موجود در شهر تبریز یا مدیریت‌های موازی در بخش مدیریت ترافیک شهری موجب افزایش فاصله بین تقاضا و عرضه امکانات حمل و نقل شده است که این عامل، تأثیر خود را در محلات انتخابی به وضوح نمایان می‌کند. پایداری تنها با ایجاد تغییرات در طراحی، الگوهای استفاده و مدیریت وسایل نقلیه حاصل نمی‌شود بلکه باید تغییراتی در نحوه تفکر نسبت به شناخت و ارزشیابی راهکارهای ممکن برای حل مشکلات حمل و نقل ایجاد شود. یک سیستم حمل و نقل پایدار نیازمند فعالیتهایی بیش از کنترل آلودگی هوا، ترافیک یا کاهش مصرف سوخت است و بررسی‌ها نشان داده که هیچ راه‌حل منفردی برای حل مشکلات پیچیده حمل و نقل وجود ندارد و رفع چنین مشکلی نیازمند یک ساز و کار جامع، پویا و قابل اطمینان است. حمل و نقل پایدار به این معناست که باید مشکل را به نحوی حل کنیم تا این بیماری مجدداً در سال‌های آتی عود نکند؛ یعنی باید الگویی را دنبال کنیم که بر اثر گسترش جمعیت و شهر و توسعه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی (که طبیعتاً از عوامل ترافیک‌زا هستند) شهر ما هم چنان بدون بروز مشکل ترافیک، به نحو مطلوبی پاسخگوی جابجایی‌های مسافر و بار باشد و با گسترش این فعالیت‌ها، سیستم حمل و نقل به مشکل برخورد نکند و پایدار باشد. مدیریت پایدار حمل و نقل اثرات توسعه حمل و نقل را روی کارایی اقتصادی، موضوعات زیست محیطی، مصرف منابع،

کاربری اراضی و عدالت اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد و به کاهش اثرات زیست‌محیطی، افزایش بازدهی سیستم حمل و نقل و بهبود وضعیت زندگی اجتماعی کمک می‌کند و هدف آن سیستم افزایش کارایی و جابجایی کالاها، خدمات و افراد با حداقل مشکلات دسترسی است که بدون سازماندهی مجدد استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها قابل دستیابی نخواهد بود. واقعیت این است که وضعیت جابجایی مردم در دنیای امروز نامطلوب است و بدون انجام اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه، بدون شک در آینده نزدیک تبدیل به یک بحران خواهد شد. به همین جهت هم در کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه ناگزیر به حرکت به سوی مدیریت پایدار حمل و نقل هستند و برای حل معضلات عدیده ترافیکی در شهرها باید مبانی و اصول حمل و نقل پایدار را به‌عنوان مرکز ثقل برنامه‌های آتی حمل و نقل مدنظر قرار دهند. مراجعه حضوری نگارنده به محلات مذکور، مؤید این نکته است که در محلات ملاحسین باغی و شمس‌آباد متوسط مراکز خدمات‌دهی (مدارس و فروشگاه‌ها) که قابلیت پیاده‌روی تا منازل را داشته باشند، کمبود شدیدی را نمایان می‌کرد. هم‌چنین عدم وجود تنوع در وسائط نقلیه در کنار کیفیت نازل این امکانات باعث نارضایتی اهالی این مناطق گردیده است. با این حال میانگین به دست آمده برای دو محله دیگر نیز در همین راستا است و مفاهیم حمل و نقل پایدار در همه این محلات، کم و بیش به هم مشابهت دارند و هر یک از این محلات از موضوع ناپایداری حمل و نقل رنج می‌برند.

تاب‌آوری شهری - محیطی

هر کدام از مخاطرات خصوصیات مختص به خویش را دارد به عنوان مثال زمین لرزه سبب لرزش زیر و روی زمین می‌گردد که خسارات مختص به خویش را دارد. سیل و آب گرفتگی و طوفان هم همین طور هستند. بر خلاف ظاهر نام تاب‌آوری، تلاش بر این است که پیش از بروز سانحه، کارهایی صورت گیرد که هنگام بازسازی هزینه کمتری تولید شود و آن تاب‌آور کردن مجتمع زیستی است. از این جهت در آغاز باید اقدام به شناسایی مخاطرات نماییم و بر مبنای آن فرم شهر و فعالیت‌های انسان را بر مبنای هر کدام انعطاف‌پذیر نماییم. گاهی چاره‌های هر کدام از مخاطرات می‌تواند با سایر مخاطرات متضاد باشد و این یکی از مسائلی است که کار را به خصوص در محلات کلانشهرها پیچیده می‌کند. در این راستا ما به شناسایی صدمه‌ها در اثر مخاطرات مختلف می‌پردازیم و فرم شهر و فعالیت انسان را بر مبنای آن باید در نظر بگیریم که در نهایت با بررسی تمام مخاطرات، ماتریسی تولید می‌گردد که با عنایت به آن می‌توان طرح بازسازی بعد از سوانح را در نظر گرفت. در این راستا، نخستین مسئله از عوامل تاب‌آوری در شهر مکان‌یابی است و این کار باید به گونه‌ای صورت گیرد تا بهترین استفاده را از طبیعت و زیست بوم داشته باشیم. در عین این که حداقل صدمه را به منابع طبیعی می‌زنیم. دومین نکته‌ای که باید در مورد تاب‌آوری محیطی در نظر داشته باشیم پراکنده‌سازی و تمرکززدایی است یعنی هر چه فعالیت‌ها و بناهای ما نسبت به همدیگر تمرکز و تراکم کمتری داشته باشد تلفات کمتری

خواهیم داشت. کما این که از مشکلات محلات انتخابی می‌توان به تراکم بالای انسانی و ساختمانی و عدم رعایت ضوابط استاندارد در محیط اشاره نمود. بر این اساس، پراکنده‌سازی و تمرکززدایی باید در ابعاد انسانی و ساختمانی در نظر گرفته شود و در طرح‌های جامع مورد توجه قرار گیرد. اصلاح کاربری زمین از مسائل دیگر است و باید در طراحی‌های شهری تلاش نماییم که فضاهای وسیع و باز داشته باشیم و معابر باریک را به حداقل برسانیم و ترکیبی از فضاهای گسترده، سبز و وسیع با کاربری‌های مان به وجود بیاوریم.

شهر تبریز به عنوان یکی از کانون‌های زلزله‌خیز کشور در سال‌های دور و نزدیک شاهد فجایع طبیعی حاصل از زلزله بوده است که هر بار پس از وقوع، هزاران نفر را به کام مرگ کشانده است و شهر را به کالبدی بی‌روح شبیه نموده است که در صورت بروز دوباره، خصوصاً در این محلات حاشیه‌ای صدمات بسیار جبران‌ناپذیری را بر شهر تحمیل خواهد نمود. هم‌چنین این شهر به علت بارندگی‌های فصلی، مستعد وقوع سیل در مقیاس‌های گوناگون است که نیاز است مسئولان شهری (همانند سال‌های اخیر)، در اندیشه اصلاح اصولی متغیرهای تاب‌آوری در سطح شهر و مخصوصاً در این مناطق باشند. ضعف و مقاومت و تاب‌آوری کالبدی- محیطی، وضعیت نامناسب شبکه‌های دسترسی و خدمات در دو محله قازان‌داغی و شمس‌آباد (با وجود اقدامات صورت گرفته در سال‌های اخیر که به شدت ناکافی است) در کنار تراکم بالای جمعیت، وقوع حوادث طبیعی، تهدیدی جدی و اساسی برای وقوع فاجعه انسانی خواهند بود.

مدیریت، رهبری، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری

برنامه توسعه سازمان ملل متحد توضیح می‌دهد که حکمروایی خوب شهری تمرینی است برای ارتقاء مدیریت سازمانی در شهرهای یک کشور، که می‌تواند موجب بهبود سایر سطوح مدیریتی کشور شود. حکمروایی خوب شهری شامل مکانیسم پیچیده‌ای از فرایندهای نهادی است که شهروندان، بخش خصوصی و هم‌چنین دولت، منافع خودشان را در آن جا بیان و تفاوت‌های‌شان را به میان می‌گذارند و حقوق شرعی و تعهدات‌شان را درک می‌کنند. حکمروایی شهری یا به عبارتی مدیریت نوین شهری در واقع رهیافتی ساختارشکنانه به برنامه‌ریزی توسعه شهری دارد و با مشارکت و کنش متقابل میان بازیگران اصلی مدیریت شهری یعنی جامعه مدنی، حکومت و بازار و بخش خصوصی شکل گرفته است که در پژوهش حاضر در میان متغیرها قابل مشاهده است. هدف از حکمروایی شهری تقویت فرآیند توسعه شهری است، به گونه‌ای که در جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود. در این راستا، با روند شکل‌گیری حکمروایی شهری بر پایه مفاهیم می‌توان اهداف کلان زیر را برای حکمروایی شهری بیان نمود:

— بازساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی

— کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها

— افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرآیندهای سیاسی درون شهرها.

بر این اساس، وجود شیوه‌های سنتی، متمرکز، بخشی و ناکارآمد مدیریت شهری و ناتوانی بخش‌های عمومی مانند شهرداری و کمیوند بودجه‌های دولتی در نبود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و مشارکت شهروندان سبب ایجاد مسائل زیادی از جمله افزایش فقر، بیکاری، آسیب‌های اجتماعی، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، توزیع ناعادلانه خدمات، افت زیرساخت‌ها، آلودگی، ترافیک و سایر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شده است که نتیجه آن کاهش کیفیت تاب‌آوری و پایداری شهری است. در حقیقت مشکل کنونی موجود در محلات انتخابی که به وسیله ساکنان این مناطق نیز عنوان شد، تا حد زیادی به مشکلات مدیریتی و حکمروایی بر می‌گردد. در این راستا، در اواخر قرن بیستم در ادامه رویکردهای توسعه پایدار شهری و حکمروایی اجتماعات، شیوه نوین مدیریت شهری یعنی حکمروایی خوب شهری به منظور اصلاح و بهبود مدیریت شهری به خصوص در کشورهای در حال توسعه با هدف کاهش مسائل مذکور پیشنهاد شده است. این رویکرد با مشارکت همه گروه‌ها و شهروندان سعی در افزایش پایداری و تاب‌آوری در شهرها و نهایتاً حرکت به سوی توسعه را دارد.

در رابطه با پرسشنامه پایداری شهری، میانگین به دست آمده برای مؤلفه اقتصاد پایدار (۲/۳۱)، جامعه شهری پایدار (۲۰/۲)، مسکن شهری پایدار (۲/۴۷)، محیط پایدار (۲/۱۷)، حمل و نقل پایدار (۲/۳۸) و مردم‌سالاری شهری (۲/۳۱) به دست آمد. در این راستا، همان‌طور که قبلاً نیز عنوان شد، متغیر محیط پایدار دارای کمترین میانگین در بین مؤلفه‌های دیگر است. بافت‌های ناکارآمد و فرسوده نظیر محلات انتخابی در پژوهش حاضر، بخش اعظمی از سطح شهرهای کشور را تشکیل می‌دهند. اگرچه این بافت‌ها به دلیل داشتن مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست محیطی از عمده چالش‌های مدیریت شهری و نظام شهرسازی می‌باشند (کما این که در نظرسنجی از محلات نیز با میانگین‌های نزدیک به ۲، سطح پایینی از کیفیت را متبلور می‌شوند) و برای کل گستره شهری یک تهدید جدی به شمار می‌آیند؛ با این حال، مهم‌ترین پتانسیل شهرها برای استفاده از زمین برای اسکان جمعیت، تأمین فضاهای باز خدماتی و نیز بهبود محیط زیست می‌باشند. متأسفانه اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد در عرصه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در زمینه احیاء و بهسازی بافت‌های فرسوده نه تنها امکان استفاده مجدد و حداکثری از این موقعیت را به مخاطره افکنده بلکه به تدریج موجب فرسودگی و ناکارآمدی بخش قابل توجهی از بافت‌های این گونه محلات و ایجاد تضاد شدید بین بافت‌های شهری، به ویژه بافت‌های جدید که با تغییرات در نقش عملکردی خدماتی شهرها ایجاد شده‌اند. با بافت‌های ناکارآمد که توان تطابق با این تغییرات را نداشته‌اند، گردیده است. از سویی دیگر، این بافت‌ها به دلیل قدمت و در اکثر موارد فرسودگی و فقدان تأسیسات و خدمات اولیه و ضروری برای زندگی شهری امروز،

در پاسخگویی به نیازهای شهروندان خود دچار نارسایی‌های اساسی می‌باشند که این موارد در بازدید میدانی و پیمایشی از این محلات، از نزدیک لمس گردید. وضعیت دسترسی‌های بافت‌های ناکارآمد شهری که عمدتاً بدون طرح قبلی و یا به عنوان روستای ادغامی به شهر متصل شده‌اند، از ساختاری نامنظم برخوردارند و دسترسی‌های موجود در آن‌ها غالباً پیاده می‌باشد، به گونه‌ای که اکثر معابر این محلات بن‌بست یا با عرض کمتر از ۶ متر بوده و ضریب نفوذپذیری در آن‌ها کم است. وضعیت خدمات و زیرساخت‌های شهری این بافت‌ها به لحاظ برخورداری از خدمات، زیرساخت‌ها و فضاهای باز، سبز و عمودی دچار کمبودهای جدی هستند که مسلماً ادامه این وضعیت باعث بروز ناهنجاری‌های بصری، اجتماعی و ... نیز می‌گردند و مکان‌هایی افسرده، مغشوش، ناامن و بدون مشارکت ساکنین به وجود می‌آورد.

برای پرسشنامه تاب‌آوری شهری، میانگین به دست آمده برای مؤلفه تاب‌آوری اقتصادی (۲/۴۵)، تاب‌آوری ساختاری- عملکردی (۲/۵۰)، متغیر تاب‌آوری اجتماعی (۲/۳۱) و نهایتاً تاب‌آوری محیطی (۲/۱۳) به دست آمد. بر اساس این اطلاعات تاب‌آوری محیطی همانند بخش قبل، به عنوان کمترین میانگین در پاسخ‌ها انتخاب شد. همان‌طور که عنوان شد امروزه در پی تغییرات سریع شهرها، بخشی از بافت‌های شهری همانند محلات انتخابی به علت ناکارآمدی نتوانسته‌اند رابطه‌ای مناسب با محیط خود برقرار کنند و خدمات‌دهی خوبی به بهره‌برداران داشته باشند. در این بین عواملی مانند وجود مخاطرات، عدم مطابقت با نیازهای امروزی و همچنین فرسودگی، این بافت‌های شهری و به ویژه بافت‌های مسکونی را با تهدید مواجه کرده است. فرسودگی بافت و عناصر درونی آن یا به سبب قدمت یا نبود برنامه توسعه و نظارت فنی بر شکل‌گیری آن بافت به وجود می‌آید. بافت شهری زمانی فرسوده است که از خدمات رسانی متناسب با شرایط زمانی ناتوان باشد و این فرایند زمانی، اصطلاحاً ناسازگاری زمانی بافت در جهت پاسخگویی به نیازهای زمانی گفته می‌شود. در مقوله فرسودگی در بافت و عناصر درونی آن یا به سبب نبود خدمات و یا به علت نبود برنامه توسعه- معاصر سازی و نظارت فنی بر شکل‌گیری بافت به وجود می‌آید. شهرها و محلات اغلب به عنوان مجرمان اصلی در رابطه با اثرات منفی زیست محیطی مطرح هستند. با این حال بسیاری از محققان و اندیشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که شهرها فرصت کافی و امکان برای تغییر و تحول مثبت که شامل راه‌حل‌های جدید و نوآوری برای تاب‌آوری روزافزون را دارند. بر این اساس، در مطالعات کارگاه‌های اخیر تاب‌آوری محیطی به این نتیجه رسیدند که افزایش تاب‌آوری محلات ناکارآمد، توجه به شیوه زندگی، خدمات، زیرساخت‌ها، فرصت‌های بازار کار و همچنین مدل‌های نهادی و کسب و کار در تحول تدریجی آن‌ها مهم است. در این راستا، تاب‌آوری عمدتاً اشاره به ظرفیت بهبود در برابر فجایع طبیعی مانند زلزله، سیل و جنگ دارند. مقوله تاب‌آوری شهر و اجتماع موضوع چندبعدی و یکپارچه می‌باشد و همچنین می‌توان گفت موضوع کلان و فرات یعنی برای رسیدن به اجتماع تاب‌آور باید نهادهای تأثیرگذار و ابعاد تحت تأثیر آن‌ها به خوبی مورد بررسی قرار گیرد.

مؤلفه‌هایی مانند محله‌های فقیرنشین و محلات چهارگانه مورد بررسی هم چنان بر وسعت‌شان افزوده می‌شود، زیرا مردم توانایی و میل مشارکت در برنامه‌های بهبود کیفیت محیط شهری را ندارند و همچنین اگر مدیران وظایف خود را به خوبی انجام ندهند و برای بهبود شرایط زندگی شهروندان و بهبود هویت کالبدی و اجتماعی شهر تلاش نکنند سبب می‌شود تا شهر برابر آسیب یا فاجعه به آسانی خم شود و قدرت بهسازی و بازیابی در حوزه‌های اجتماعی و محیطی نداشته باشد.

برای پرسشنامه سوم یا همان حکمروایی اجتماعات شهری، میانگین به دست آمده برای مؤلفه متغیر رهبری و مدیریت (۲/۲۴)، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی (۲/۵۰)، متغیر مشارکت بخش خصوصی (۲/۴۰) و نهایتاً مشارکت شهروندان (۲/۶۴) به دست آمد که بر این اساس، نتایج نشان می‌دهد که مردم در محلات ناکارآمد از عملکرد مدیریت محلات ناکارآمد و برنامه‌ریزی این نقاط، رضایت ضعیفی دارند. نظر به این که در کشور ما و سایر کشورهایی که با روش سیستم حکومت متمرکز اداره می‌شوند، سازمان‌های محلی (شهرداری‌ها و سازمان‌های اداری در روستاها و بخش‌ها و شهرستان‌ها) و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای (استان) دارای استقلال نبودند، همه آن‌ها تابع حکومت مرکزی می‌باشند و از طرف دولت مرکزی در امور آن‌ها نظارت و مداخله می‌شود، اما این نوع تشکیلات اداری محلی و منطقه‌ای را نمی‌توان حکومت محلی یا منطقه‌ای دانست بلکه باید آن‌ها را سازمان‌های محلی یا منطقه‌ای نام برد. تمام سازمان‌های محلی اختیارات خود را از حکومت مرکزی می‌گیرند (اعم از این که یک حکومت با حاکمیت کامل و یا با شبه حاکمیت باشد) و این سازمان‌ها موجودیت خود را مدیون حکومت مرکزی و متکی به آن می‌باشند. بنابراین نحوه روابط بین حکومت مرکزی و سازمان محلی تا حد زیادی به وسیله قانون تعیین می‌شود. در شرایط حاضر و از بین عناصر حکومتی - عمومی، حکومتی - دولتی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیر دولتی و افراد، اداره محلات شهری بین دو نظام اداره ملی و محلی یعنی عناصر دو دسته اول پراکنده شده است. دیگر عناصر ذکر شده از جایگاه چندان تأثیرگذاری در این زمینه برخوردار نیستند. حتی مدیران محلی که تنها نهادهای انتخابی حکومت در سطوح تصمیم‌گیری کشور هستند نیز از استقلال عمل و اختیار کافی برای اداره یکپارچه قلمرو خود برخوردار نیستند، زیرا در قلمرو شهرداری نیز عناصر حکومتی - دولتی از وزن بالایی برخوردارند که امر برنامه‌ریزی برای محلات ناکارآمد را بسی دشوار می‌کند. یکی از موارد مهم پس از تقویت سازمان‌های محلی و ایجاد حکومت محلی، طراحی و بهبود نمایش و مشارکت میان حکومت محلی، بخش خصوصی و جامعه شهر مدنی و تلاش برای در بر گیری بازیگران و ذی‌نفعان متعدد شهری در اداره شهرهاست. این نگرش در چارچوب "رویکرد حکمروایی خوب شهری" مدلی منسجم از مدیریت شهری را به دست می‌دهد. اما با بررسی وضعیت فعلی و عدم موفقیت مدیریت شهری در دستیابی به این مهم، باید بررسی کرد که پیاده‌سازی کامل کارکرد فعلی مدیریت شهری در ایران تا چه حد می‌تواند اهداف مدیریت شهری در توان‌مهندسی سکونتگاه غیررسمی به عنوان یک اجتماع محلی را پوشش دهد؟ بر پایه نظر فریبر و اشترن (2001)،

شهرها بایستی از چهار منظر پایدار باشند: زیست‌پذیر (حداقل کیفیت زندگی) باشند، به خوبی مدیریت شوند، حکمروایی خوب در آن‌ها برقرار باشد و پایداری مالی که به معنای بانک‌پذیری از دید بانک جهانی است در آن‌ها وجود داشته باشد. حکمروایی عبارت است از: اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در همه سطوح. این حکمروایی شامل ساز و کارها، فرایندها و مؤسساتی است که از طریق آن‌ها، شهروندان و گروه‌های مختلف، علائق خود را ابراز می‌دارند، اختلاف نظرهای خود را تعدیل می‌کنند و به توافق می‌رسند و بر اساس حقوق و تعهدات قانونی خود عمل می‌کنند. از مباحث پیشرو در توسعه پایدار و مدیریت شهری که همان حکمروایی خوب شهری هست شروع می‌شود و با توان‌مندسازی اجتماع محلی و با کاربست رویکرد توسعه مبتنی بر اجتماع محلی که بین آن‌ها نیز یک ارتباط دوسویه برقرار است و خود نیز از زیرشاخه‌های توسعه پایدار می‌باشند در مجموع به بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی کاهش فقر شهری منجر می‌شود و به دنبال برقراری پیوستگی این محلات غیررسمی با بافت رسمی شهر هست که این خود نیز نیازمند برقراری حکمروایی خوب شهری است؛ از این رو چرخه دوباره تداوم می‌یابد تا در نهایت به رفع کامل فقر و برقراری عدالت که یکی از اهداف حکمروایی خوب شهری است در کل جامعه دست یابد. اندیشهٔ محلهٔ پایدار نیز در دل توسعهٔ پایدار و مباحث مربوط به آن شکل می‌گیرد و توسعهٔ پایدار در مقیاس محله به معنای ارتقاء کیفیت زندگی در آن، شامل همهٔ ویژگی‌های اجزای زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی بدون ایجاد مانعی برای نسل‌های آینده می‌باشد. امروزه نحوهٔ مدیریت شهری در کشور به صورت عام و شهر تبریز به صورت خاص در پایداری محلات ناکارآمد تأثیرگذار می‌باشد و توافق جمعی بین‌المللی رو به رشدی وجود دارد که حکمروایی خوب شهری در دست‌یابی به توسعهٔ پایدار ضرورت دارد. از این رو حکمروایی خوب شهری به عنوان کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوهٔ اعمال مدیریت معرفی می‌شود. حکمروایی خوب شهری بر کاهش فاصله بین شهروندان و مدیران و همچنین افزایش نقش شهروندان در ادارهٔ امور شهرها و چگونگی تحقق مدیریتی کارآ و بهینه و یا زمینهٔ توسعهٔ مردم‌سالاری و عدالت تأکید دارد که جزء مباحث مشترک پایداری و حکمروایی است که اهمیت آن‌ها در نتایج پژوهش حاضر نیز روشن گردید. با مطرح شدن محله به عنوان سلول زندگی شهری تحقق توسعهٔ پایدار نیز تنها در قالب توسعهٔ محله‌ای و در مقیاس محلی دنبال شد. بنابراین محلات بهترین نقطهٔ شروع حرکت به سوی پایداری محسوب می‌گردد، ابعاد پایداری بر پایهٔ فصول دستور کار ۲۱ سازمان ملل عبارتند از: ابعاد فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی- نهادی که هر کدام از این ابعاد دارای معیارهای مخصوص به خود می‌باشند. در ادارهٔ امور شهرها نه تکنولوژی و نه حتی تخصص کافی نیستند. بلکه مدیریت مطلوب وجهه ممیزه یک شهر برونگرا یا شهری با مدیریت مطلوب در مقابل یک شهر با مدیریت نامطلوب یا شهر منزوی است. هم‌چنین در رابطه با تاب‌آوری شهری می‌توان چنین استنباط کرد که تاب‌آوری را می‌توان یکی از مفاهیم اصلی تحقیق توسعهٔ پایدار شهری به شمار آورد. استفاده از رویکرد تاب‌آوری شهری و

برنامه‌ریزی جامع مدیریت بحران، بدون مشارکت شهروندان و نظرخواهی از آنان امکان‌پذیر نیست که در فصل پیشین بر آن تأکید بسیار شد و چنین مشارکتی بدون تعبیر مفهوم حکمروایی اجتماعات در محلات امری محال است. مدیریت شهری با بهبود مشارکت شهروندان، دسترسی آزاد به اطلاعات، عدالت در توزیع خدمات و امکانات، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در تهیه و تأمین امکانات مناسب برای مقابله با مخاطرات، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی، تخصیص بودجه تاثیر بر میزان تاب‌آوری شهر می‌گذارد. افزایش تاب‌آوری و کاهش خطر در شهر بر دوش هر یک از گروه‌های ذی‌نفع با محوریت مدیریت شهری است. شهرداری با ارزیابی و دخالت گروه‌های ذی‌نفع کمک خواهد خواست تا نقش‌ها و مسئولیت‌های خود را بشناسند، عوامل خطرآفرین و محدوده‌های آسیب‌پذیر را شناسایی نمایند و تدابیر لازم برای مقابله با آن‌ها را اتخاذ کنند. طبق بیان گافمن و همکاران (۲۰۰۵)، شاخص مشارکت به تدابیر حکومتی جهت افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزیابی به ویژه گروه‌های فقیر و سکونتگاه‌های غیر رسمی اشاره دارد. این بخش ارتباط نزدیکی با شاخص شفافیت و مسئولیت‌پذیری مقامات شهری برای افزایش دسترسی شهروندان به اطلاعات و مکانیسم‌هایی برای ارتقای حقوق شهروندان است. جدا از مباحث مطرح شده، طبق نظر هاگ و همکاران (۲۰۰۷)، دولت‌های شهری مسئول تصمیم‌گیری در مورد کیفیت و تأمین زیرساخت‌ها، آمادگی و پاسخ به فاجعه و برنامه‌ریزی توسعه شهر (جلوگیری از توسعه مجدد در مناطق با خطر بالا) هستند. یکی از مهم‌ترین مصداق‌های تأثیر حکمروایی خوب شهری در بحث عدم هماهنگی سازمان‌ها و بخش‌های مختلف به منظور بهسازی بافت‌های فرسوده و توان-مهندسی محلات مورد مطالعه در شهر تبریز است. در نهایت با توجه به این که نقش حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری و تاب‌آوری شهری مورد تأیید قرار گرفت و با توجه به ابعاد و شاخص‌های تاب‌آوری که در بخش مبانی نظری ارائه شد، زمینه‌های دخالت مدیریت شهری با اعمال شیوه حکمروایی خوب شهری با اقداماتی مانند تهیه زیرساخت‌ها و امکانات شهری، نظارت بر ساخت و سازها، جلوگیری از بورس‌بازی و زمین‌خواری در شهر، تهیه اطلاعات کافی از مناطق خطرپذیر، تلاش برای بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و محلات مورد مطالعه، برنامه‌های آگاهی‌بخشی به شهروندان، در نظر گرفتن بودجه لازم برای کاهش آسیب‌ها، ایجاد مکان‌های مدیریت بحران، محدود کردن گسترش شهر، افزایش سرانه سبز، تلاش برای کاهش آلودگی بصری و برگزاری جلسات هماهنگی و همکاری برای ارائه برنامه‌های مشترک در زمینه بهسازی بافت‌های فرسوده و توان‌مهندسی سکونتگاه‌های غیر رسمی، ارائه اطلاعات و شفاف‌سازی طرح‌های سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده به ساکنان و شهروندان، ارزیابی وضعیت آسیب‌پذیری و تاب‌آوری و پایداری در شهر، برگزاری جلسات هفتگی با شهروندان به خصوص افراد آسیب‌پذیر و ساکن در بافت‌های ناکارآمد، افزایش خدمات به خصوص فضای سبز در مناطق و محلات با تأکید بر شاخص عدالت‌محوری، افزایش فرصت‌ها و زمینه‌های آموزش شهروندان به خصوص در زمینه مخاطرات مشخص می‌گردد. این اقدامات بدون وجود یک مدیریت کارآ

و اثربخش امکان‌پذیر نیست. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر را می‌توان با نتایج به دست آمده از تحقیقات تقوایی و صفراآبادی (۱۳۹۰)، مشکینی و مؤذن (۱۳۹۴)، هم راستا دانست که مؤید تأثیر مثبت و معنادار حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری شهری می‌باشد. همچنین در رابطه با تحقیقات خارجی، نتایج این مطالعه با خروجی‌های به دست آمده از تحقیق علی شمایی (۲۰۱۷)، نیز همسو می‌باشد.

پیشنهادها

- با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:
- ایجاد تسهیلات بهسازی و نوسازی مسکن در محلات مورد مطالعه
- نظارت سفت و سخت بر ساخت و ساز در محلات
- جلوگیری از بورس‌بازی زمین و زمین‌خواری در محلات
- تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی در محلات و برنامه‌ریزی در راستای حمل و نقل شهری پایدار
- تقویت بنیه اقتصادی اقشار کم درآمد و ایجاد اشتغال پایدار برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی
- ایجاد فضاهای سبز و باز در محلات برای زیباسازی و افزایش تاب‌آوری محلات مورد مطالعه
- تعریض معابر تنگ و باریک موجود در محلات برای افزایش ضریب تاب‌آوری
- تلاش برای انتقال کاربری‌های ناسازگار نظیر تعمیرگاه‌های اتومبیل و صنایع آلوده‌کننده به مکان مناسب
- استقرار تیم‌های دفاتر تسهیلتگری محله در کل بافت‌ها جهت نمود عینی حکمروایی اجتماعات محلی در محلات فرسوده
- امکان انتخاب نماینده برای ساکنان محلات ناکارآمد جهت ارتباط مستمر با سازمان‌های شهری و رساندن حرف مردم به گوش آن‌ها.

منابع

- امان‌پور، سعید؛ حسینی امینی، حسن؛ و عبادی، حسین. (۱۳۹۸). تبیین مدیریت راهبردی بحران با رویکرد تاب‌آوری شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر اهواز)، **نشریه جغرافیا و مخاطرات محیطی**. تابستان، شماره ۳۰، صص ۲۰۹-۱۸۳.
- پیری، عیسی؛ و رضائیان، مهدی. (۱۳۹۳). امکان‌سنجی توان‌مندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز)، **فصلنامه مطالعات شهری**. شماره دهم، صص ۷۲-۶۳.
- تقوایی، مسعود؛ و صفراآبادی، اعظم. (۱۳۹۲). توسعه پایدار شهری و برخی عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**. سال سوم، بهار ۱۳۹۲، شماره ۶.
- تقوایی، مسعود؛ حسینی‌خواه، حسین؛ و علیزاده اصل، جبار. (۱۳۹۴). استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توان‌مندکردن محلات شهری، (مطالعه موردی: محله اکبرآباد یزد)، **نشریه آمایش جغرافیایی فضا**. بهار، شماره ۱۵، صص ۱۴۷-۱۲۹.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ و شمس پویا، محمد کاظم. (۱۳۹۶). به سوی حکمروایی اجتماع محلی، کوششی در معرفی موضوعات و عرصه‌های کلیدی (مورد پژوهی: محله درکه)، **فصلنامه آمایش محیطی**. تابستان، شماره ۳۷، صص ۲۱۶-۱۹۵.
- خوش‌فر، غلامرضا؛ بارگاهی، رضا؛ و کرمی، شهاب. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و پایداری شهری (مطالعه موردی: شهر گرگان)، **فصلنامه مطالعات شهری**. پاییز، شماره ۸، صص ۴۶-۳۱.
- رهنما، محمد؛ عزت‌الله مافی، رحیم؛ و اسدی، روح‌الله. (۱۳۸۹). تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT، **نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**. پیاپی ۱۵، ص ۱۹۷.
- سرور، رحیم. (۱۳۹۳). معرفی فرایندی جامع برای گزینش محلات در اولویت برنامه ساماندهی و توان‌مندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی؛ (نمونه موردی: شهر گنبد کاووس)، **مدیریت شهری**. بهار، شماره ۳۴، صص ۷۶-۵۹.
- شاطریان، محسن؛ و کیانی سلمی، صدیقه. (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه ابعاد توان‌مندسازی در بین محلات شهری (مطالعه موردی: محله پشت مشهد بالا و محله طاهر و منصور شهر کاشان)، **نشریه مطالعات نواحی شهری**. شماره ۹، صص ۸۶-۶۳.
- شماعی، علی؛ ملکان، جواد؛ و صادقی، پریسا. (۱۳۹۳). راهبردهای توان‌مندسازی حاشیه‌نشینان شهری با استفاده از تکنیک QSPM (مطالعه موردی: شهرک شهدای سنقر)، **فصلنامه اطلاعات جغرافیایی**. شماره ۹۰، صص ۴۰-۲۵.
- صفراآبادی، اعظم؛ مویدفر، سعیده؛ وارثی، حمیدرضا؛ و بلاغی، رسول. (۱۳۹۵). رویکردهای توان‌مندسازی مناطق حاشیه‌ای شهری (موردشناسی: سکونتگاه غیررسمی حسن‌آباد یزد)، **جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای**. شماره ۱۹، صص ۲۳۰-۲۱۷.
- فتح‌زاده، حیدر؛ و زاهد زاهدانی، سعید. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی راهبردی، به منظور توان‌مندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره‌سی تبریز)، **دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر**. شماره ۶، صص ۸۸-۶۱.
- قرخلو، مهدی؛ و میره، محمد. (۱۳۸۸). توان‌مندسازی اجتماعی، راه‌حلی برای حاشیه‌نشینی، **فصلنامه علوم اجتماعی شوستر**. شماره ۳، صص ۱۲۶-۱۱۱.
- مشکینی، ابوالفضل؛ و تردست، زهرا. (۱۳۹۸). اثرگذاری مشارکت در توان‌مندسازی سکونتگاه‌های مسالهدار شهری (مطالعه موردی: محله بانبرز ایلام)، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی**. شماره ۱، صص ۱۶۱-۱۴۷.
- مشکینی، ابوالفضل؛ سجادی، ژیلا؛ دین‌دوست، جواد؛ و تفکری، اکرم. (۱۳۹۰). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با شیوه توان‌مندسازی (نمونه موردی باقرشهر: محله باباجعفری)، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**. شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۲۳.
- Adegun, O. (2017). Exploring Just Sustainability in Re-Blocking Intervention in a Johannesburg Informal Settlement, **Journal of Asian and African Studies**. vol. 53, (5), P.p: 782-796.
- Benna, U., Garba, S. (2016). **Population Growth and Rapid Urbanization in the Developing**.

-
- Homler, H., & Dreschler, A. (2006). **Empowering Urban Poor Communities through Integrated Vegetable Production in Allotment Gardens: The Case of Cagayan de Oro City, Philippines**. Conference: International Workshop on Urban/ Peri-Urban Agriculture in the Asian and Pacific Region, At Tagaytay City, Philippines.
- Iltan, S., and Lacey, A. (2011). **Governing the Poor: Exercises of Poverty Reduction**. Practices of Global Aid. McGill-Queen's Press.
- Lim, Y., Edelenbos, J., and Gianoli, A. (2019). Identifying the results of smart city development: Findings from systematic literature review, **Cities**. Volume 95, P.p: 1-19.
- Malaque, I., Bartsch, K., and Scriver, P. (2018). Thriving in the slums: progressive development and empowerment of the urban poor to achieve secure tenure in the Philippines, **Architectural Science Review**. Volume. 61, P.p: 313-318.
- Mitlin, D., and Satterthwaite, D. (2013). **Empowering Squatter Citizen: Local Government, Civil Society and Urban Poverty Reduction**. Third edition, EARTHSCAN press, London.
- OECD. (2012). **Poverty Reduction and Pro-Poor Growth the Role of Empowerment: The Role of empowerment**. OECD.
- Pierre, J. (2014). Can Urban Regimes Travel in Time and Space? Urban Regime Theory, Urban Governance Theory, and Comparative Urban Politics, **Urban Affairs Review**. vol. 50, (6), P.p: 864-889.
- Scheyvens, R. (2020). **Empowerment, International Encyclopedia of Human Geography (Second Edition)**. P.p: 115-122.

Empowerment of dysfunctional urban structures for sustainable development of Tabriz metropolis from the perspective of urbane sociology

Farzaneh Yazdankhah

Ph. D student in Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz- Iran.

Hasan Ahmadzadeh

Geography group, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz- Iran (corresponding author).

Bashier Beik Babaee

Geography group, Malekan Branch, Islamic Azad University, Malekan- Iran.

Ali Panahi

Geography group, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz- Iran.

The metropolis of Tabriz is facing the phenomenon of informal settlement and suburban and inefficient urban areas. The present study was conducted with the aim of empowering dysfunctional urban contexts for the sustainable development of Tabriz metropolis from a sociological perspective. Four dysfunctional neighborhoods in the metropolitan area of Tabriz, including Chokhorlar, Kazan Daghi, Mollah Hossein Baghi and Shamsabad were selected with a sample of a cluster random method. Data collection tool was a questionnaire and Delphi method were used to measure the extracted variables. The results indicate problems and dissatisfaction in the study areas. Chokholar has the lowest satisfaction of the main indicators of urban development, including urban sustainability, urban resilience and governance of local communities. The average obtained for the urban sustainability questionnaire is 2.01, for the urban resilience questionnaire is 2.15 and for the governance of urban communities is 2.05, which is the lowest value among the selected neighborhoods. After Chokholar, Shams Abad has the lowest average in the urban sustainability variable with an average of 2.39. After that, Kazan Daghi with 2.42 and Molla Hossein Baghi with 2.86 are in the next ranks.

Key words: Empowerment Of Dysfunctional Urban Structures, Sustainable Development Of Tabriz Metropolis, Tabriz Neighborhoods.